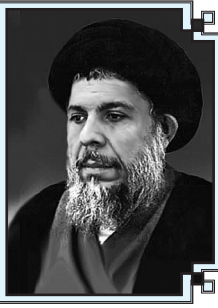


«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



به مناسبت سالگرد شهادت
شهید صدر
اقتصادنا و
اقتصاد ما



سال سی و هشتم ♦ شماره ۲ ♦ شماره مسلسل ۱۵۴۴ ♦ نیمه دوم فروردین ماه ۱۳۹۶ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

دکتر صالحی امیری:

استاد مهدی محقق، سرمایه‌ای است که
ایران و ایرانی هر کجای جغرافیا که باشد
به او افتخار می‌کند



وضعیت تولید فکر در ایران در گفت‌وگو با دکتر محمدحسین
مختاری (رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی)

نخبگان؛ بیگانه با پرسشگری

در مباحث علمی و در میان نخبگان روحیه پرسشگری بسیار ضعیف است و متأسفانه در همین سطح است که باید تولید فکر شکل گیرد. هنوز ویژگی‌های نخبگی در نخبگان ما بروز و ظهور پیدا نکرده است، نمونه این امر را می‌توان در رساله و پایان‌نامه‌های دانشگاهی دید. پژوهش‌ها در حوزه علوم انسانی در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها، مکتب تقلیدی و البته تقلیلی از مبانی علوم انسانی غربی است که بسیار سطحی، وارداتی و به صورت جزئی و ناقص از کشورهای غربی وارد فضای علمی کشور شده است. مباحث علوم انسانی در غرب بیشتر جنبه کاربردی دارد در حالی که بسیاری از مباحث ما در کشور همچون فلسفه، جامعه‌شناسی و... بیشتر جنبه انتزاعی دارند. متأسفانه حوزه‌های علمیه نتوانسته‌اند منابع خام موجود در اسلام را به علوم انسانی تبدیل کنند.

بسیاری از استادان دانشگاه‌ها با محافظه‌کاری، از ورود به مباحث چالش برانگیز کشور می‌هراسند و صرفاً در پی روزمرگی و گذران امور آموزشی و پژوهشی خود هستند. استادانی که انتزاعی‌تر هستند و بشدت در نهضت ارائه مقالات همایشی و مقالات ISI انویسی و شرکت در کنفرانس‌های متعدد اهتمام دارند از سوی سیاستگذاران علمی باسوادتر ارزیابی می‌شوند.

نقش حوزه‌های علمیه در تشدید وضعیت نابسامان کنونی در مقوله تولید علم کمتر از خبط ساختار علمی دانشگاه‌ها نیست بلکه عدم تخصیص بودجه و اعتبارات مالی و نیز فقدان نقش‌آفرینی نخبگان حوزه در امر تولید علم غیرقابل انکار است. «فراز و فرود تولید فکر در ایران» سال‌ها است که دغدغه اهالی اندیشه است، این دغدغه خاص جامعه ما نیست و اکثر جوامع می‌کوشند تا وضعیت تولید فکرشان را در مقایسه با سایر جوامع به بررسی نشینند و سطح کشور خود را در رتبه بندی جهانی ارتقا بخشند.

هوالحق

برادر مکرم و ارجمند

جناب آقای دکتر سید عباس صالحی (حفظه الله)

معاونت محترم فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

فقدان عالم روحانی، عارف صمدانی، والد معظم، حضرت آیت‌الله سیدمیرزا حسن صالحی (قدس سره) را به آن برادر گرامی و خاندان محترم آن فقید سعید و عموم علاقمندان، تسلیت گفته و از خداوند متعال برای آن عارف باله، درجات متعالی و برای بازماندگان، صبر جمیل و اجر جزیل خواستارم.

سید هادی خسروشاهی

آیت‌الله اراکی:

وظیفه
علوم انسانی
اسلامی، تولید
«فقه نظام» است



گفتگو با شیخ
محمد صالح الموعد
رئیس و سخنگوی
مجلس علمای
فلسطین



سرقت‌های
الکترونیک و
نشرهای سارقانه

حجت الاسلام والمسلمین
دکتر مهدوی راد



رئیس مجمع جهانی شیعه‌شناسی:
حجم فعالیت‌های
تبلیغی تشیع در
قبال هجمه‌ها بسیار
اندک است



برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی شهرداری قم

شهردار قم با تأمین فضایی در محدوده جمرکان، برای اسکان اضطراری، گفت: در حوزه تخلفات شهری و نظافت نیز اقدامات گسترده‌ای انجام گرفته است. سقائیان نژاد به برنامه شهرداری در حوزه پسماند در



سال ۹۶ اشاره کرد و افزود: امیدواریم با این اقدامات بتوانیم بخشی از کمبودهای شهر قم را برطرف کنیم.

وی با تأکید بر اینکه برای سال ۹۶ در حوزه فرهنگی برنامه‌هایی داریم، بیان کرد: امسال ۱۰ مجموعه فرهنگی و ورزشی در مناطق هشتگانه ساخته می‌شود. شهردار قم گفت: برنامه‌های قم در راستایی است که بتوانیم بخشی از مشکلات و کمبودهای شهر قم را رفع کنیم.

او با اشاره به توزیع ۲۵۰ هزار تن آسفالت در سال گذشته در معابر شهر، بیان کرد: برای سال ۹۶ نیز همین برنامه قوت و قدرت بیشتری ادامه پیدا خواهد کرد. وی با اشاره به حمایت‌های شهرداری از هتل‌سازی، اضافه کرد ۳ هتل ۵ ستاره در بلوار پیامبر اعظم (ص) انعقاد قرارداد شده که امسال عملیات اجرایی آن‌ها آغاز می‌شود. شهردار قم گفت: توافقی نیز با عتبه حسینی در کربلا شده که مدینه الزائرین در بلوار پیامبر اعظم (ص) در مساحتی نزدیک به ۷۵ هزار مترمربع بسازد. شهردار قم افزود: آستان حضرت فاطمه معصومه (س) نیز زمینی به مساحت ۷۵ هزار مترمربع دارد که قرار است زائرسرا در آن ساخته شود. وی به پروژه فرودگاه قم اشاره کرد و گفت: این پروژه شرایط ویژه‌ای دارد و تا تعیین تکلیف نشد هیچ‌کس نمی‌تواند مشکل آن را حل کند.

شهردار قم گفت: با توجه به مجاورت خط راه‌آهن با فرودگاه قسمت بار این پروژه می‌تواند همراه با بخش مسافری تحولی در این شهر ایجاد کند.

دکتر سقائیان نژاد با تأکید بر اینکه سال گذشته ۹۰۰ میلیارد تومان از بدهی‌های با املاک شهرداری تهراتر شد، بیان کرد: ۷۰۰ میلیارد تومان هم از دولت طلب داشتیم که با پیگیری‌های انجام گرفته، این طلب به‌عنوان اسناد خزانه و دوسال برای شهرداری تأیید و تثبیت شد.

وی با تأکید بر اینکه بخش عمده بدهی‌های شهرداری با این اقدامات رفع می‌شود، یادآور شد: پروژه‌های نیمه‌تمام داخل شهر یکی از مشکلات دیگر شهرداری بود که سال گذشته ۹۰ درصد آن‌ها به اتمام رسید.

شهردار قم در دیدار با آیت‌الله ابراهیم امینی عضو مجلس خبرگان رهبری، اظهار کرد: زمانی که ما وارد شهرداری قم شدیم نزدیک به ۱۶۰۰ میلیارد تومان بدهی داشتیم که عمده آن مربوط به بلوار پیامبر اعظم (ص) بود.

دکتر سقائیان نژاد با بیان اینکه قریب به ۸۰۰ میلیارد تومان برای این پروژه وام گرفته شده بود که در ۵ سال این مبلغ به ۱۶۰۰ میلیارد تومان رسیده بود، اضافه کرد: با حمایت نمایندگان مردم و رئیس مجلس شورای اسلامی و علما و مراجع تقلید مذاکراتی با بانک‌ها انجام گرفت تا بتوانیم مشکلات را حل کنیم.

وی با اشاره به پروژه شهید کاظمی اضافه کرد: سرمایه‌گذار اولیه پروژه دچار مشکلات قانونی شده و نهایتاً بانک عامل وارد پروژه شده است و بخشی از تاخیرات به این مساله مربوط بوده است. سقائیان نژاد افزود: به گونه‌ای بارگذاری در این پروژه شده بود که پارکینگ‌ها تنها پاسخگوی حجم فضاهای تجاری پروژه بود و مشکلی از نظر پارکینگ قم حل نمی‌کرد و این مساله در کمیسیون ماده ۵ بازنگری شد و بارگذاری کاهش پیدا کرد.

وی با اشاره به پیش‌بینی ترافیکی در این پروژه گفت: با بررسی‌های انجام گرفته، تمام این مباحث به نقطه نهایی رسیده و در کمیسیون ماده ۵ تصمیمات نهایی اتخاذ شده است و ما به سرمایه‌گذار اصلی هشدار داده‌ایم که باید هر چه سریع‌تر اقدام به اخذ پروانه کرده و عملیات اجرایی را آغاز کند. شهردار قم با تأکید بر عزم مدیران شهر برای عملیات اجرایی پروژه شهید کاظمی در بهار امسال افزود: در بودجه سال ۹۶ نزدیک به ۳۰ میلیارد تومان برای پارکینگ‌سازی خصوصاً در محدوده هسته مرکزی شهر در نظر گرفته شده است.

وی با بیان کرد: برای پارکینگ‌سازی اطراف مسجد مقدس جمرکان نیز تسهیلاتی گذاشته شده است. سقائیان نژاد اضافه کرد: این مشکلات به‌گونه‌ای است که باید به مرور اقداماتی انجام داده و بتوانیم نیازمندی‌ها را برطرف کنیم.

وی با تأکید بر تبدیل ۳ بوستان شهری به کمپ زائرتین، اضافه کرد: امکانات مورد نیاز زائرتین در این کمپ‌ها تأمین شده و این کار از برپایی چادر در محدوده حرم جلوگیری کرده است.

هانری کربن، فیلسوف و اسلام شناس فرانسوی معاصر است که عمر خود را صرف شناخت حقایق تشیع نمود و با حضور متعدد در ایران چه در کسوت استاد و چه در مقام شاگردی و زانو زدن پیش پای فیلسوف بزرگ اسلامی علامه طباطبایی، علاقه به مکتب تشیع و انسجام فکری آن نشان داد به گونه‌ای که بیان می‌شود، جذبه این مکتب او را به پیروی از تشیع واداشت. این استاد شیعه شناسی و مدیر بخش تحقیق دانشگاه سوربن فرانسه در آثار خود به تفصیل، برداشت‌های خود از تشیع را منعکس کرده است که یادداشت زیر کوششی برای انعکاس رؤس منظومه فکری هانری کربن برای توصیف نظام تشیع و ولایت و کارکرد آن در نظام هستی است. زمانی که هانری کربن به بحث اسلام شناسی و شیعه شناسی بر می‌خورد و تفسیر فلسفی خود را از این مبانی ابراز می‌دارد؛ شاید آنچه به ذهن متبادر شود، نگاه یک مستشرق به مسئله سنت در یک کشور غیرغربی است، اما در حقیقت اینطور نیست. کربن را نمی‌توان یک مستشرق دانست، چراکه عالم شرق را از مرکزیت غرب تحلیل نمی‌کند و خود را تا آنجا به اسلام شیعی نزدیک کرده که اکنون در بین شیعیان به دلیل تعلق خاطرش نسبت به مبانی تشیع، یک عنصر «خودی» به حساب می‌آید.

عالم مثال در نگاه کربن

در چنین شرایطی کربن که شیفته وجوه عرفانی و فلسفه شیعی شده است؛ وجه تمایز کلیدی این مکتب را با سایر فرق در سیر و سلوکی می‌داند که این مکتب برای سالکان فراهم نموده و برای آن مرشدهایی (امامان) نیز تدارک دیده‌است. کربن برای توصیف خود از این مقام از ایستگاه «عالم مثال» حرکت خود را آغاز می‌کند. عالم مثال برزخی بین «عالم محسوس» و «عالم معقول» است.

عالم مثال از دید هانری کربن جزو ابعاد تفلسف شیعی است، به طوری که از سهروردی و ملاصدرا گرفته تا ملاهادی سبزواری همه در اندیشه خود یا با همین نام یا عناوین مشابه چون «اقلیم هشتم» به آن رجوع می‌کنند.

حتی فراتر از این، کربن اعتقاد دارد این حقیقت پیش از اسلام نیز در آموزه‌های عرفانی ایرانی قابل کنکاش است و مشابه آن در آموزه‌های جهان زیست زرتشتی با عنوان «خَورنه» موجود است. عالم مثال با «عالم مُثُل» افلاطون متفاوت است و به دو مرحله برزخ در سلوک آدمی «از وحدت به کثرت» و مجدداً «از کثرت به وحدت» اشاره دارد. به تعبیر دیگر عالم مثال، پیوند دهنده روح (متعلق به عالم معقول) است با جسم (متعلق به عالم محسوس).

گذرگاه‌های چهارگانه در عالم مثال

کربن که خود مستغرق در آموزه‌های فلسفی شیعی است، قطاری را در عالم مثال تصویر می‌کند که در چهار ایستگاه به سوی مقصد در حرکت است. این چهار ساحت، در واقع متوالی و در پی یکدیگر نیستند و تقدم زمانی بین‌شان بی‌معنی است و مقدماتی هستند که همزمان و معادل هم پیش رفته و در حقیقت جلوات گوناگون یک «کلیت واحد»ند و نوازنده یک موسیقی در دستگاه‌های متفاوت. این چهار ساحت را کربن اینگونه تعریف می‌کند:

- دایره نبوت تا دایره ولایت (وجه نبوی)
- اصلات ماهیت تا اصلات وجود (وجه وجودشناسی)
- تمثیل عرفانی تا رویداد آن در درون (وجه روایی)
- عشق انسانی تا عشق ربانی (وجه عاشقانه و عارفانه)

از منظر کربن برای هر یک از وجوه فوق راهبری درونی وجود دارد که به ترتیب عبارتند از: امام، عقل فعال، فرشته اشراق و معشوق ازلی. کربن به وسیله

طرح این چهار ساحت در واقع کوشیده تا اختلاف میان هستی شناسان ایرانی اسلامی را در یک مرکز که همان عالم مثال است جمع نموده و تلفیق کند. کربن برای هر یک از وجوه مذکور مثال‌هایی از تفکرات و آثار فلاسفه ایران نیز متذکر می‌شود. وجه بیانی حکمت نبوی را می‌توان در تفسیر لاهیجی بر گلشن راز شبستری دید. وجه بیانی فلسفی را در فلسفه ملاصدرامی توان یافت. وجه بیانی روایی در آثار تمثیلی عرفانی چون رساله الطیر، حکایات ابدال و سلامان به چشم می‌خورد. کشف الاسرار نیز نمونه خوبی برای وجه عارفانه جلوات جمال الهی معرفی شده است.

نقدهایی بر نظر کربن

البته به نظر کربن در توصیف ساحات عالم مثال چنین اشکال شده که اولاً چهار مقوله فوق نامتجانس‌اند و از این رو امکان سنجش میان آنها وجود ندارد و اگر قیاسی هم صورت گیرد، نسبی و هرمنوتیک است و نه حقیقی. ثانیاً کربن برای توصیف عالم مثال صرفاً از یک مرحله گذار سخن به میان آورده است در حالی که در مثال‌هایی که به میان آورده چنین است که هر یک از این ساحات خود مسیری چند مرحله‌ای و چند بعدی در سلوک مشخص کرده‌اند. مثلاً ملاصدرا در سلوک خود از چهار مرحله نام برد (سفر از خلق به حق، سفر با حق در خلق) یا بقلی شیرازی در کشف الاسرار خود که هانری کربن آن را به عنوان الگوی بعد چهارم (عرفانی) خود تعریف نموده از پنج ساحت عشق ورزی سخن به میان آورده که عشق الهی، عقلی، روحانی، آدمی و بهیمی سخن می‌گوید. نکته دیگر اما اینکه کربن برای علت تجمع این چهار ساحت در «عالم مثال» توضیح چندانی نمی‌دهد و این در حالی است که در منظر فیلسوفی چون ملاصدرا عالم عقول برتر از عالم مثال است. علاوه بر مسائل مذکور، برخی از افرادی که وی نام آنان را برده است، اعتقادی به عالم مثال ندارند. به عنوان مثال ابن سینا در سلسله مراتب هستی به ۱۰ مرتبه عقل اشاره می‌کند و اعتقادی نسبت به عالم مثال از خود نشان نمی‌دهد. در عین حال و با همه این

مروری بر برداشت‌های هانری کربن از نظام تشیع

منظر اسمای الهی

جبار، منم اول و آخر، منم ظاهر و باطن، منم وجه الله، منم یدالله، منم جنب الله، منم ایلیای انجیل، منم وارث علم برگزیده و...» صفاتی که امام در این خطبه به خود منسوب می‌دارند (حدود ۶۶ صفت) به خوبی نمایانگر آن است که ائمه صورت تجلی خدا در عالم مثال هستند که در عالم محسوسات هبوط کرده‌اند.

کربن می‌گوید انسان نمی‌تواند خدا را جز به واسطه اسماء و صفاتش بشناسد و این ۱۴ نور، مظاهراین اسماء وصفاتند. کربن «امام شناسی» را مسیری می‌داند که انسان را از افتادن به ورطه «تعطیل» و «تشبیه» در توحید مصون می‌سازد. پرهیز از اعطای معانی بشری به صفات الهی، حقیقت الهی را در غیب مطلق مستور می‌سازد. هرچند تشیع نیز غیبی برای صفات و اسماء الهی قائل است اما در عین حال معتقد است توقف در این مرحله موجب فرو رفتن در ورطه «تعطیل» و در نتیجه عدم معرفت انسان به خدا می‌شود، چرا که در این صورت ارتباط میان خدا و انسان منقطع می‌گردد؛ حال اگر خود ذات الهی حامل اسماء و صفات تلقی شود، در ورطه «تشبیه» و تجسم بخشیدن به ذات حق گرفتار شده‌ایم. وجود معصومین این مشکل را حل می‌کند و اگر ائمه را به عنوان مظاهر الهیه درک نماییم، آنها «اسماء الله» خواهند بود و این امر را از خطر دوگانه تشبیه و تعطیل مصون نگه خواهد داشت.

فرجام سخن

هرچند هانری کربن به واسطه آنکه به عنوان یک فیلسوف غربی با اسلام و تشیع آشنا شده و در نظریات آن نوعی شگفت زدگی و گاه ناآشنایی به وجوه فقهی و کلامی دین به چشم می‌خورد، اما در سلسله گفت‌وگوها و جلسات خود با بزرگان فلسفه اسلامی در عصر خود و در رأس آنها علامه طباطبایی، کوشیده است نگاه و دریافت‌های خود از ماهیت تشیع را به تصویر بکشانند که مجموعه این برداشت‌ها فارغ از نقدهای وارد برآن، به ظرفیت عظیم تشیع در بسط منظومه‌ای فکری و فلسفی برای تبیین جهان شناسی دقیق دلالت دارد، به گونه‌ای که این فیلسوف اروپایی را اینچنین به خود مجذوب کرده است.

منبع: روزنامه جوان

قم؛ پایگاه بزرگ فکری و معرفتی

دارای شاخص‌های بسیاری است، اضافه کرد: ما وظیفه داریم با تلاش و همت قم را در تراز یک شهر اسلامی و منطق با تمدن اسلامی در سطح کشور و جهان مطرح کنیم.

وی با تاکید بر این‌که یکی از مهمترین شاخص‌های شهر اسلامی و منطبق با دیدگاه تمدنی اسلام، تعاون و تکافل عمیق اجتماعی است، اضافه کرد: در این پایگاه تعاون و تکافل اجتماعی، همه احاد جامعه واقعاً احساس می‌کنند که یک پیکرند و به هم متصلند و فراتر از خودخواهی‌ها و منیت‌ها و نگاه‌های فردی، در واقع در این شهر، یک نگاه جمعی و متعاون و متکافل وجود دارد و هلال احمر هم یکی از ارکان تحقق این فرهنگ و این همبستگی اجتماعی و همیاری به‌ویژه در مقاطع حساس چه در درون استان و شهر و چه در سطح کشور است که باید به این جایگاه توجه کرد.

در ادامه این جلسه آیت‌الله اعرافی با اشاره به پیشنهادهای مطرح‌شده هیأت‌مدیره گفت: تاکنون قدم‌های خوبی به جلو برداشته شده است و در ادامه باید برنامه بلندمدت پنج‌ساله، با نگاه دقیق و علمی بررسی و تنظیم نهایی شده و این کار اساسی جامع و علمی سنجیده شود تا بتوانیم خودمان را ارزیابی کنیم.

وی ادامه داد: نکته دوم، اهمیت مباحث پژوهشی در مسایل امداد و تعاون و خدمات اجتماعی مرتبط با هلال احمر است، باید پژوهش

در نخستین جلسه هیأت‌مدیره جمعیت هلال احمر استان قم در سال ۹۶ که با حضور حضرت آیت‌الله اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه کشور و عضو هیأت‌مدیره برگزار شد، بر اهمیت آموزش و پژوهش در هلال احمر و تداوم همایش‌ها در قالب گفتگوهای علمی در سطح بین‌المللی تاکید شد. آیت‌الله علیرضا اعرافی، در این جلسه ضمن تقدیر از فعالیت‌های جمعیت هلال احمر و با بیان این‌که باید به قم نگاه ویژه شود اضافه کرد: از آنجا که قم در حقیقت پایگاه بزرگ فکری و معرفتی برای ایران و جهان است، این ویژه‌نگری منطبق با منطق عدالت است.

وی با اشاره به اینکه حدود ۱۰۰ هزار نفر از سراسر دنیا و ایران، برای تحصیل در قم زندگی می‌کنند؛ افزود: قم نمایشگاهی از حضور همه ایران است و هر کاری برای قم انجام شود در واقع برای همه کشور و همه مسلمانان و پیروان اهل بیت(ع) انجام می‌شود.

مدیر حوزه‌های علمیه کشور با اشاره به اینکه قم هنوز به شرایط متعارف نرسیده است، افزود: از هر جهت باید به قم نگاه ویژه‌ای شود، چون در اینجا با حضور صدهزار نفر از تمام ایران و کشورهای جهان و بیش از بیست میلیون زائر، وجود مراجع و علما و مهاجرت‌های تبلیغی؛ با تولیدات فرهنگی، از لحاظ فکری و معرفتی و الگویی به همه کشور و حتی جهان خدمت ارائه می‌شود.

آیت‌الله اعرافی با بیان این‌که یک شهر اسلامی

یادداشتی بر کتاب

«غروب آفتاب در اندلس»

«غروب آفتاب در اندلس» خواننده را در کوچه پس‌کوچه‌های غربی‌ترین سرزمین‌های اسلام، به نظاره تبااهی و سقوط روزگار شکوه اسلام می‌نشانند. «غروب آفتاب در اندلس» نام اثری است که با ترجمه بخشی از تفسیر طنطاوی پدید آمده و مراکز انتشاراتی گوناگونی آن را در ایران بارها منتشر کرده‌اند. در این یادداشت، معرفی کوتاهی درباره کتاب را خواهید خواند:

«ایلدفوس به کاخ فرمانروایی کوردوبا داخل شد و بر تخت حکومت اندلس نشست. ۵۰۰ دختر از بزرگان، اشراف، فرماندهان، حاکمان و علمای مسلمانان را اسیر و در میان سران سپاه خود تقسیم کرد. هر یک از کاخ‌های قرطبه را به یکی از بزرگان و فرماندهان خود بخشید. مسجد جامع اموی را به وسیله منجیق با خاک یکسان کرد و محل مسجد را جایگاهی برای فساد قرار داد. دستور داد کتابخانه اسلامی کوردوبا را که بیش از ۸۰ هزار جلد کتاب داشت، آتش زدند و به فرمان او چهار هزار تن از مردم قرطبه کشته شدند.»

این تصویر تلخ و اسفناک، فصل پایانی کتاب «غروب آفتاب در اندلس» را ترسیم می‌کند؛ تصویری از شکست مسلمانان از سپاه مسیحیان در اندلس و پایان یافتن عصر طلایی تمدن اسلام در مرزهای غربی قلمرو آخرین دین الهی.

«غروب آفتاب در اندلس» داستانی کوتاه و برگرفته از تفسیر «الجاهر فی تفسیر القرآن الکریم» است که به قلم «محمد طنطاوی الجوهری»، راوی روایت یک سقوط و فریادگر حکایت دوری از خویشتن خویش و بیگانه شدن با مکتب اسلام می‌شود؛ حکایتی برگرفته از معنای تباہ و سیاه انحطاط که خواننده را به روزگار شکوه اسلام در اندلس می‌برد و در کوچه پس‌کوچه‌های غربی‌ترین سرزمین‌های اسلام، به نظاره تبااهی و سقوط می‌نشانند.

تصویر کتاب از میگساری جوانان مسلمان که راه رخنه فساد به قلب‌های پاک آنهاست، آنچنان روشن و تیره است که جرعه جرعه نوشیده شدن شراب در نگاه مخاطب، مانند سرکشیدن لاجرعه شوکران جلوه می‌کند.

در «غروب آفتاب در اندلس»، پناه بردن یک نسل به آغوش شهوت و فراموش شدن دشمن پشت دروازه‌ها، لحظه به لحظه افسوس را از نهاد مخاطب برمی‌آورد.

و سرانجام نیز کتاب، خواننده خود را به تماشای خیانتی شرم‌آور در گشودن راه استیلا بر بیگانگان می‌نشانند...

«رم، واتیکان، کاخ پاپ»، «پیمان فریب»، «سراغاز انحطاط»، «شراب کوردوبار، نذر جوانان مسلمان»، «آغاز حضور نظامی بیگانه»، «می‌توان کار رایکسره کرد»، «سقوط غم انگیز والانس»، «سقوط تولدو، پادش خیانت» و «سرانجام توطئه و خیانت»، تنها فصل‌های پی‌درپی این کتاب نیستند، بلکه فصل پایانی حضور مسلمانان در اندلس و خزان اسلام در آن سرزمین نیز به شمار می‌آیند.

«غروب آفتاب در اندلس»، داستان شکار شیر است به مکر و حيله؛ روایت اعتمادی برگرفته از حسن ظن است بردشمنانی که در قامت دوست ظاهر می‌شوند؛ حکایت فراموش کردن خود است و تن سپردن به خودباختگی؛ کتابی کوتاه اما اثرگذار که در حصار زمان داستان محدود نمی‌شود و بر پرده سیاست مسلمانان در همه اعصار، نمایشی عبرت‌آموز را به تصویر می‌کشد.

سرقت‌های الکترونیک و نشرهای سارقانه

نشریافته از ضروری‌های پژوهش، ژرفایی و دامنه تتبع و تحقیق، زاویه دید نو، ابتکار در روش، غنای دانش و نگارش و نگارش و... تأمل‌برانگیز است. این‌را در سال گذشته نیز یادآوری کردم. فاضل ارجمندی که «کتاب سال حوزه» را برگزار می‌کرد، در سال ۹۴ تحلیل بسیار دقیق و پربایه امار ارائه داده بود که نتیجه‌اش ازجمله این بود که «امتیازها در قسمت تحلیل، ژرف نگری، ابتکار و نوآوری... رضایت بخش نبود.» به‌پندارم باید بانیان و مسئولان دانش و پژوهش کشور چاره‌اندیشی کنند و آسیب‌شناسی که چرا؟

سوم: در جلسه بسیار پرشکوه «کتاب سال» نکته‌ای را درمیان نهادم که به اختصار در مقدمه یادشده نیز آورده بودم و آن «سرقت‌های الکترونیک» و نشرهای سارقانه و بسیار زشت و دلهره‌آفرین کسانی است که آثار کسانی از عالمان، محققان و متفکران را یک‌سر در اثر خود می‌نهند و از این جهت و با این‌کار و بار، ضربه‌ای هولناک به نشر زده‌اند و می‌زنند.

محقق عالی‌قدر و پرکاری مشغول بازنگری کتابی سودمند و کارآمد و موردتوجه خوانندگان و اهل دانش بودند که یک-مرتبه متوجه شدم دست از کار کشیده‌اند، پرسیدم و گفت: یکی از شاگردانم اطلاع داد که چاپ پیشین کتاب را به نشر سپرده‌اند و با سهولت در چندین هفته شش‌هزار نسخه از آن را «دانلود» کرده‌اند. شگفتا که همگان چنگ انداختن به یک عدد سیب را دزدی تلقی می‌کنند و در شأن خود نمی‌نگرند که بدان دست یازند، اما حاصل رنج و تلاش سالیان محقق و متفکری را به یغما می‌برند و تکان هم نمی‌خورند.

دولت ارجمند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بدون هیچ تأخیری باید چاره‌جویی کند و با تدوین لایحه‌ای جریان را مدیریت کند و «مجلس شورای

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی مهدوی‌راد، سردبیر فصلنامه نقد کتاب «قرآن و حدیث» در یادداشتی به «سرقت‌های الکترونیک» و نشرهای سارقانه پرداخته است.

یکم: چندی پیش یکی از فاضلان و اندیشوران گفتند که از رساله «کارشناسی ارشد» وی، بزرگواری «حسن استفاده!!» کرده است و بخش مهمی از آن را یکسر و بدون هیچ دگرسانی به نشر سپرده است، و این بنده گفتم: «لیس هذا اول قارورة کسیرت فی الاسلام... (= بخوانید فی عالم الدراسة و التحقیق و النشر...)». درباره این موضوع و به‌تعبیری دقیق‌تر درباره این «قصه آکنده از غصه» در موارد بسیاری از مجله آینه پژوهش سخن رفته‌است؛ ازجمله در سرمقاله بلند شماره صدم آن گرامی‌نامه (مهدوی‌راد، ۱۳۹۴: ۹۸ به بعد).

یکی از استادان می‌گفت در گردهمایی پژوهشی شرکت کرده بودم که دیدم ارجمندی مقاله‌ای از من را یک‌سر به‌نام خود خواند و چون مرا دید با توجیهاتی شگفت و ناموجه کارش را توجیه کرد و اعتذار جست و... به یاد قصه محقق بلندآوازه اردنی استاد فضل حسن عباس افتادم که شاگردش گزارش کرده است که در دانشگاه «عین شمس» قاهره مقاله‌اش را کسی یک‌سر به‌نام خود قرائت می‌کند و اعتراض نه تنها راهی به جایی نمی‌برد که جایزه مقاله را به «سارق» می‌دهند. (همان: ۱، ۱۰ به نقل از دراسات اسلامية عربية مهداة الى العلامة الأستاذ الدكتور فضل حسن عباس بمناسبة بلوغ السبعین، ص ۳).

دوم: کتاب سال جمهوری اسلامی برگزار شد و در مقدمه گزارش بسیار خوب و خواندنی آن که همکاران ارجمندم رقم زده بودند، از جمله نوشتیم: نتیجه آماری و بررسی کمی نگاشته‌ها نشان می‌دهد که هنوز هم به لحاظ کمیت چندان مشکلی نداریم، اما به لحاظ برخورداری آثار

رییس مجمع جهانی شیعه شناسی:

حجم فعالیت‌های تبلیغی تشیع در قبال هجمه‌ها بسیار اندک است

برخی از این کتاب‌های به زبان‌های مختلفی همچون انگلیسی، اردو و عربی نیز به چاپ رسیده است.

وی با بیان این که مجمع جهانی شیعه شناسی همواره تلاش کرده است تا نهایت استفاده را از فضای مجازی داشته باشد، ابراز داشت: این مجمع از ۱۶ سال پیش تا کنون با ایجاد سایت‌ها و پرتال‌های فعال و غنی، در صدد نشر علوم اهل‌بیت(ع) و فرهنگ قرآن بوده است.

پیمان خاطرنشان کرد: سایت مجمع جهانی شیعه شناسی از جمله نخستین سایت‌هایی است که در راستای پاسخگویی به سوالات و شبهات دینی تشکیل شده و در این مدت توانسته است با ایجاد کتابخانه دیجیتال و همچنین بانک مقالات پژوهشی، علمی شیعه، اطلاعات مفیدی در اختیار مخاطبان فضای مجازی قرار دهد.

وی با بیان این که تلاش کرده‌ایم تا تهدید شبکه‌های اجتماعی را به فرصتی برای نشر معارف اهل‌بیت(ع) تبدیل کنیم، تصریح کرد: این مجمع افزون بر فعالیت در سایت‌های مختلف، توانسته است با فعالیت در شبکه‌های متعدد مجازی که با ایجاد شبهات فراوان، می‌توانست تهدیدی جدی برای مخاطبان این شبکه باشد، توانسته‌ایم بخشی از هجمه‌ها و شبهات فکری عجیب و خطرناک دشمن را دفع کنیم.

دبیر شورای دین پژوهان کشور با بیان این که سهم تشیع در مقابله با هجمه‌ها و شبهات دشمن در فضای مجازی بسیار ناچیز است، تأکید کرد: هر چند فعالیت‌های مفیدی در حوزه علمیه، مراکز علمی، مؤسسات، پژوهشگاه‌ها، دانشگاه‌های

رییس مجمع شیعه شناسی سهم تشیع در مقابله با هجمه‌ها و شبهات دشمن در فضای مجازی را بسیار ناچیز دانست.

آیت پیمان، رییس مجمع جهانی شیعه شناسی، به همراه مدیران و معاونان این مجمع، در دیدار با حضرت آیت‌الله محمدعلی علوی گرگانی، به ارائه گزارشی از عملکردهای مجمع جهانی شیعه شناسی پرداخت.

پیمان اظهار داشت: مجمع جهانی شیعه شناسی دارای ۳۰ هیأت‌امنا است که شامل بزرگانی از عرصه حوزه و دانشگاه می‌شود.

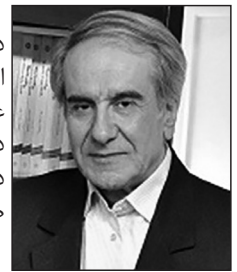
وی با اشاره به تاریخ تأسیس مجمع، ابراز داشت: این مجمع ۱۶ سال پیش در سالی که به نام امیرمؤمنان نامگذاری شده بود، با همت و تلاش شهید، حجت‌الاسلام علی انصاری بویراحمدی تأسیس شد.

دبیر شورای دین پژوهان کشور خاطرنشان کرد: پس از شهادت حجت‌الاسلام بویراحمدی، هیأت‌مدیره و هیأت‌امنای جدید تشکیل شد و برای استمرار فعالیت و تلاش مجمع جهانی شیعه شناسی، ساز و کار و تشکیلات جدیدی ایجاد شد.

وی خاطرنشان کرد: در یک سال گذشته مجمع جهانی شیعه شناسی، تلاش کرد تا افزون بر آن که فعالیت‌های خود را با سمت و سوی غنی‌سازی محتواهای علمی و پژوهشی انجام دهد، همچنین تلاش کرد تا محتواهای علمی و پژوهشی در خارج از کشور نیز به صورت گسترده‌ای انتشار یابد.

رییس مجمع جهانی شیعه شناسی با تأکید بر این که این مجمع تا کنون بیش از ۱۰۰۰ جلد کتاب با ۸۰ عنوان به چاپ رسانده است، اظهار داشت:

منبع : خبرگزاری رسا



دکتر مسعود درخشان: استاد اقتصاد انرژی و عضو هیأت علمی دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

بیش از ۵۰ سال از نگارش کتاب اقتصادنا می‌گذرد. بسیاری از زوایای این گنجینه بزرگ از معارف اقتصاد اسلامی، نظام های اقتصادی، روش شناسی و فلسفه اقتصادی نه تنها تاکنون ناشناخته مانده بلکه از دیدگاه بنده برخی برداشت های نادرست از آن نیز شده است که فرصت طرح آنها در اینجا نیست.

سوآلی که می‌خواهم توجه شما را به آن جلب کنم این است که نظریات شهید صدر در کتاب «اقتصادنا» به چه میزان و چگونه می‌تواند در «اقتصاد ما» به کار گرفته شود و فرآیند مطالعات اقتصاد اسلامی در کشور ما را که بعد از انقلاب اسلامی سرعت گرفت شتاب دهد و نقطه عطفی در این مطالعات باشد.

بنده بر این باورم که شهید صدر نخستین متفکر اسلامی است که قبل از انقلاب اسلامی، مسائل اقتصادی را با رویکرد سیستمی بررسی کرده است. دیدگاه بنده در اقتصاد اسلامی که قبل از انقلاب اسلامی بسیار متأثر از شهید صدر بود بعد از انقلاب اسلامی و استقرار نظام حکومت اسلامی، به «تنظیم و تدبیر امور اقتصادی مسلمین» با حفظ رویکرد سیستمی تغییر جهت داد که یکی از نخستین ثمرات آن برگزاری چندین نشست تخصصی در سال های نخستین انقلاب اسلامی در دانشگاه امام صادق علیه السلام تحت عنوان «جایگاه احکام و تئوری های اقتصادی در تنظیم امور اقتصادی مسلمین» بود.

برخی نکات مرتبط با این رویکرد را در سخنرانی «نظریه تعادل عمومی در اقتصاد اسلامی: رویکرد نظام سازی» در سومین کنگره جهانی علوم انسانی اسلامی که آبان ماه ۱۳۹۴ در تهران برگزار شد مطرح نمودم. اکنون می‌خواهم رابطه دیدگاه شهید صدر با این رویکرد را به اجمال تبیین نمایم. اجازه می‌خواهم در ادامه عرایضم، برخی نکات را به اجمال عرض کنم:

۱- کتاب اقتصادنا حاصل دیدگاه های شهید صدر قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران است و لذا بسیار متأثر از روحیه انقلابی این عالم فرهیخته در مبارزات علمی با دو نظام اقتصاد سرمایه داری و اقتصاد سوسیالیسم و اثبات وجود و برتری نظام اقتصاد اسلامی بوده است. اما «نظام سازی» که محور اصلی مطالعات اینجانب در اقتصاد اسلامی بوده و هست، متأثر از استقرار نظام سیاسی اسلامی در ایران است. نکته جالب توجه این است که قبل از آنکه شهید صدر با هر متفکر دیگری، سازوکار و مدل تحقق انقلاب اسلامی را تبیین و ساختار حکومت اسلامی و نحوه استقرار و کیفیت نهادهای مقوم آن را به زبان علمی توضیح دهند، انقلاب اسلامی در ایران به تحقق رسید.

۲- شهید صدر در اقتصادنا با دقت و نبوغ فراوان و توانمندی های علمی کم نظیر، سیستم یا مکتب اقتصادی اسلام را تبیین نمود اما راهکاری برای اجرایی کردن و طراحی ترتیبات نهادی مناسب برای تثبیت آن در عینیت مطرح نکرد. دلیل این امر کاملاً روشن است: با اندک تأمل می‌توان دریافت که طراحی نظام تدبیر در امور اقتصادی مسلمین و پیاده کردن آن مستلزم استقرار نظام

سیاسی اسلامی با همه ارکان و نهادها و روابط و مناسباتی است که بتواند اسباب تحقق اقتصاد اسلامی را فراهم کند و مقوم آن باشد، ضمن آنکه اقتصاد اسلامی در مقام تحقق عینی به سهم خود مقوم نظام سیاسی نیز هست.

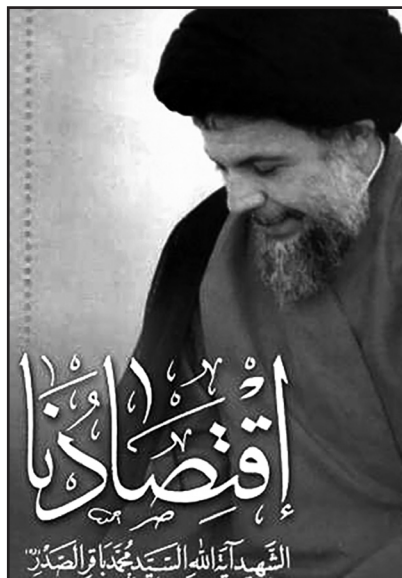
بنابراین نظر به اینکه شهید صدر وقوع نظام سیاسی اسلامی را در زمان نگارش کتاب اقتصادنا درک نکرده بود ضرورتاً به مطالعات علمی در رد سرمایه داری و سوسیالیسم و اثبات حقانیت و کارایی نظام اقتصاد اسلامی بسنده نمود. با وجود این، چنانکه در ادامه عرض خواهم کرد، شهید صدر با نبوغ فراوان، زمینه مناسبی را برای پیوند نظام اقتصاد اسلامی با نظام های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در بستر تحولات تاریخ و تمدن اسلامی فراهم کرد، زمینه ای که امروز بنده آن را «تعادل عمومی در اقتصاد اسلامی» نامیده ام.

۳- شهید صدر در صفحه ۱۲ کتاب اقتصادنا (جلد اول- چاپ اول، ترجمه محمد کاظم موسوی، ۱۳۵۰ شمسی) چنین می نویسد: «مقصود ما از اقتصاد اسلامی، سیستم (مکتب) اقتصادی است که در این سیستم روشی که اسلام در تنظیم حیات اقتصادی دارد، مجسم می‌گردد. سیستم اقتصادی اسلام، خود دارای یک پایگاه فکری است که خود سیستم، ما را بدان رهنمود می‌گردد.» و در صفحه ۱۲ ادامه می‌دهد که «این پایگاه فکری، طبق بیانات مستقیم اسلام یا در اثر پرتویی که خود سیستم بر مسائل اقتصاد و تاریخ می‌افکند مشخص می‌گردد.» ملاحظه می‌شود که شهید صدر معتقد است که اولاً، هر سیستمی دارای یک مبنای فکری است. ثانیاً درک و کشف این مبنا صرفاً با مشاهده آثار و تبعات و عملکرد همان سیستم در عینیت امکان پذیر است. ثالثاً این مبنا می‌تواند تحت تأثیر عملکرد همان سیستم باشد. رابعاً در نظام اسلامی، این مبنا تحت تأثیر «بیانات مستقیم اسلام» یا به عبارت دیگر، مجموعه ارزش ها، اخلاق، احکام و در یک کلمه معارف اسلامی نیز هست؛ زیرا که نظام اسلامی برعکس نظام های مادی (سرمایه داری و سوسیالیسم) نظام وحیانی است و کلام وحی نقش اصلی را در این نظام ایفا می‌کند.

برای تبیین تأثیر مبانی وحیانی بر عملکرد نظام اقتصادی، می‌توان به مثالی که شهید صدر در صفحات ۳۱۱ و ۳۱۲ آورده است مراجعه کرد: «نظام سرمایه داری صورت علمی ندارد و وجود و دلائل خود را از قوانین علم اقتصاد نگرفته است... قوانین علمی در اقتصاد سرمایه داری، قوانینی است علمی در چارچوب خاص سیستم سرمایه داری و مانند قوانین طبیعی فیزیک و شیمی قوانین مطلق نیست که در هر جامعه ای و در هر زمان و مکانی قابل تطبیق و پیاده شدن باشد... درک بسیاری از آن قوانین، در شرایط اجتماعی ای که اقتصاد سرمایه داری و افکار و مفاهیم آن بر آن حاکم است، به صورت حقایق عینی هستند... بنابراین آن قوانین در جامعه ای که سرمایه داری بر آن تسلط ندارد و افکار آن، جو آن جامعه مفروض را نبوشانده باشد نمی‌تواند عینیت خود را حفظ کند و در آن جامعه پیاده گردد.»

۴- شهید صدر مفهوم مبنا در اقتصاد اسلامی را به مفهوم وسیع تر مبنا در نظام اسلامی تعمیم می‌دهد و لذا بر ضرورت هماهنگی بین نظام های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تأکید دارد، و چنانکه قبلاً گفته شد این همان نکته ای است که امروزه ما از آن تحت عنوان «تعادل عمومی در اقتصاد اسلامی» یاد می‌کنیم. برای تبیین این نکته به صفحه ۳۷۱ اقتصادنا مراجعه می‌کنیم: «شکل

اقتصادنا و اقتصاد ما



عمومی نظام- هر نظامی که باشد- به پایه ای نیاز دارد که با طبیعت و روح آن هماهنگی داشته باشد و به سیستم، عقیده و مفاهیم و عواطفی که با آن سازگار باشد اعطا کند... اقتصاد اسلامی در روش و همه جزئیات گسترده خویش پیوستگی دارد و به نوبه خود، همچنین جزئی از شکل عمومی زندگی می‌باشد، و این شکل دارای پایه ای است که خاص آن می‌باشد، و جامعه کامل اسلامی هنگامی پدید می‌آید که شکل و پایه با هم فراهم شوند.»

متأسفانه تحلیل شهید صدر در نگرش سیستمی از تعادل عمومی در اقتصاد اسلامی، به ضرورت شناخت اقتصاد اسلامی در چارچوب شکل عام اسلامی موکول می‌شود، شکلی که بتواند جوانب مختلف امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه را به نحو مناسبی مدیریت کند. بدیهی است شهید صدر نمی‌توانست وارد بحث راهکار تحقق اقتصاد اسلامی در چارچوب نظام جامع تدبیر امور اسلامی در معنای موسع کلمه شود؛ زیرا چنانکه قبلاً اشاره شد، تحقق عینی نظام اقتصاد اسلامی مستلزم استقرار نظام حکومت اسلامی است که در زمان نگارش کتاب اقتصادنا به وقوع نرسیده بود. از این رو، شهید صدر در ایجاد ارتباط بین نظام اقتصاد اسلامی و نظام سیاسی با موانع نظری جدی مواجه شد به شرحی که در ادامه عرض خواهم کرد.

۵- شهید صدر در ذیل عنوان «ارتباط میان اقتصاد اسلامی و نظام سیاسی اسلام» در صفحه ۳۷۶ چنین می نویسد: «در بررسی سیستم اقتصادی، جدایی آن دواز یکدیگر منجر به گمراهی تحقیق می‌گردد، زیرا هیئت حاکمه، اختیارات وسیع اقتصادی داشته، دارای مالکیت های بزرگی می‌باشد که بر طبق اجتهاد خود، در آنها تصرف می‌کند و این اختیارات و مالکیت ها لازم است همیشه در بررسی، با واقعیت حاکمیت در اسلام و تضمین هایی که اسلام برای ملوث نشدن ولی امر و اعتدال وی وضع کرده است، از قبیل عصمت، شور کردن و عدالت (بنا بر اختلاف مذاهب اسلامی) مقارنه گردد. بنابراین در پرتو این تضمین ها می‌توانیم موقعیت دولت را در سیستم اقتصادی بررسی کنیم و به صحت اختیارات و حقوقی که اسلام برای دولت مقرر داشته است، ایمان بیاوریم.»

ملاحظه می‌شود که حوزه مطالعات شهید صدر در ارتباط میان اقتصاد اسلامی و نظام سیاسی اسلام متأسفانه محدود به بررسی موقعیت دولت در سیستم اقتصادی به لحاظ اختیارات و حقوقی است که اسلام برای دولت مقرر کرده است. چنانچه قبلاً گفته شد، دلیل این امر را می

بایستی در فقدان استقرار نظام سیاسی اسلامی در زمان نگارش کتاب اقتصادنا جستجو کرد. بدین ترتیب، شهید صدر با یک معضل جدی نظری به شرح ذیل در تعریف هماهنگی بین نظام های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مواجه می‌شود:

در صفحه ۴۱۴ چنین می‌خوانیم: «وظیفه سیستمی در برابر اقتصاد اسلامی عبارت است از کشف صورت کامل حیات اقتصادی طبق قوانین اسلامی... اما نقش علم اقتصاد نسبت به اقتصاد اسلامی وقتی فرا می‌رسد که آن صورت پدید آمده باشد، تا از این رهگذر مسیر حیات واقعی و قوانین آن را، در چارچوب جامعه ای که نظام اسلامی به طور کامل در آن پیاده و تطبیق می‌شود کشف کند.» طبعاً شهید صدر در این بیان، با دو مشکل جدی مواجه است: اولاً، کشف صورت کامل حیات اقتصادی طبق قوانین اسلامی با موانع نظری متعددی مواجه است و ثانیاً تحقق جامعه ای که نظام اسلامی به طور کامل در آن پیاده شده باشد مفهومی بسیار مجرد و به دور از واقع می‌باشد. لذا درک اقتصاد اسلامی به شرط کشف صورت کامل حیات اقتصادی از یکسو و تحقق جامعه ای که نظام اسلامی به طور کامل در آن پیاده شده باشد به عنوان شرط لازم برای کشف مسیر حیات واقعی اقتصادی و قوانین آن از سوی دیگر، تا حد زیادی با معضلات نظری مواجه است.

۶- با توجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که راهکار خروج از این معضلات نظری تکیه بر رویکرد نظام تدبیر اقتصادی در چارچوب «نظریه تعادل عمومی در اقتصاد اسلامی» است. پایگاه نظری در امکان پذیری خروج از این معضل در این حقیقت نهفته است که نظام حکومت اسلامی در جمهوری اسلامی ایران مستقر شده است. از این رو، برعکس دیدگاه شهید صدر که محدوده اختیارات دولت به معنای کشف حیات سیاسی دولت را متوقف بر کشف حیات اقتصادی مبتنی بر تعالیم اسلامی می‌داند، با رویکرد فوق الذکر می‌توانیم حیات اقتصاد اسلامی را به معنای نظام تدبیر در تنظیم امور اقتصادی به منظور مدیریت بهینه زندگی اقتصادی مسلمین در پرتو نظام سیاسی اسلامی که به تحقق رسیده است، بررسی کنیم.

از این منظر، رویکرد نظام سازی در اقتصاد اسلامی مبتنی بر اصل هماهنگی نظام تدبیر در امور اقتصادی با نظام سیاسی ولایت در کشور است به نحوی که سیاست های اتخاذ شده در نظام تدبیر امور اقتصادی سازگار و مقوم نظام سیاسی باشد، و این هر دو، مستلزم هماهنگی با نظام اجتماعی اسلامی و مقوم آن است و این هر سه بر مبنای نظام ارزش ها و احکام و مجموعه معارف اسلامی استوار است. بدین ترتیب، اصل تعادل عمومی در اقتصاد اسلامی شکل می‌گیرد و به عنوان مبنا همه سیاست های اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کمیت و کیفیت سیاست ها و ترتیبات اقتصادی را تعیین می‌کند و سمت و سوی آنها را مشخص می‌سازد. حاصل آنکه در این رویکرد، اقتصاد اسلامی در فرآیندی پویا از جرح و تعدیل ها و سعی و خطاها و انعطاف پذیری ها با توجه به شرایط زمانی و مکانی توسعه می‌یابد. لازمه تحقق این هدف به لحاظ نظری، کوشش در شاخص سازی های مناسب در اندازه گیری و سنجش تأثیرات متقابل نظام های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در بستر تحولات تاریخی کشور و تمدن اسلامی است.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای

نخبگان؛ بیگانه با پرسشگری



کتمان کرد، ما نمی‌توانیم تأثیر این بخش را نادیده بگیریم. در این مسیر سیاست‌های کلانی که تبیین می‌شود، مؤثر است. ایده‌پردازی نکته‌ای است که از سوی رهبر معظم انقلاب مطرح شد. اگر نقطه نظرات رهبری را متصدیان پیاده‌سازی کنند، در این صورت ما می‌توانیم در تولید فکر، فاصله خود را با غرب کمتر کنیم.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که شما معتقدید یک «جامعه پرسشگر» می‌تواند یک «جامعه مولد فکر» نیز باشد. چقدر می‌توان جامعه ما را متصف به صفت پرسشگری کرد؟

بعد از انقلاب روحیه پرسشگری در جامعه ما ایجاد شد. به گواه تاریخ تا قبل از آن، این روحیه چندان برجسته نبود. تنها بخش خاصی از جامعه، روحیه پرسشگری داشت. این در حالی است که امروز، این روحیه تقریباً به تمام اقشار جامعه تسری یافته است. به نظر می‌رسد یک پویایی و بالندگی در سطوح مختلف جامعه به چشم می‌خورد.

مصادق‌های این پویایی را در چه حوزه‌هایی می‌بینید؟

در تجزیه و تحلیل مسائل جاری، هر چند که غربی‌ها بیشتر از ما روزنامه می‌خوانند اما نسبت به مسائل جاری جامعه روحیه پرسشگرانه کمتری دارند یا تجزیه و تحلیل مسائل اجتماعی‌شان سطح پایین‌تری دارد. یک جامعه انقلابی، جامعه‌ای است که می‌خواهد در تمام سطوح حضور داشته باشد. خاصیت انقلاب همین است و می‌خواهد در تمام مسائل، چه در عرصه داخلی و چه در عرصه‌های بین‌الملل، پیروانش را درگیر کند.

در این فضا چه سهمی را برای نخبگان قائل هستید؟

در مباحث علمی و در میان نخبگان روحیه پرسشگری بسیار ضعیف است و متأسفانه اینجا است که باید تولید فکر شکل گیرد. واقعیت این است که یک جامعه از فرهیختگان خود خط می‌گیرد و اینجا است که دانشمندان و صاحبان قلم نقش دارند. آنها هستند که جهت فکری عامه مردم را تعیین می‌کنند.

فکر می‌کنید چرا نخبگان ما از روحیه پرسشگری فاصله گرفته‌اند؟

معتقدم هنوز آن ویژگی‌های نخبگی در نخبگان ما بروز و ظهور پیدا نکرده است. نمونه این امر را می‌توان در رساله‌ها دید. وقتی از انگلیس برگشتم و چون در بحث هرمنوتیک و فلسفه غرب کار کرده بودم، به کتابخانه ملی رفتم و خواستم منابع موجود در این زمینه را بیرون بکشم. ۸۰۰-۹۰۰ رساله را استخراج کردم شاید نهایتاً ۱۰ رساله برای من مفید بود. اکثر پایان‌نامه‌ها کپی بود و اصلاً مرجع نداشت. این در حالی است که رساله، شناسنامه علمی یک پژوهشگر است و هر صفحه‌ای باید پیام جدید برای مخاطب داشته باشد؛ این یعنی «ایده‌پردازی». سنت رایج دانشگاهی ما «پرسشگری» نیست، این در حالی است که سنت فکری دینی ما بر پرسشگری توجیهی تام و تمام دارد.

شما این نقص را تنها متوجه استادان می‌دانید؟ بسیاری از استادان، ساختار آموزشی موجود و تورم نظام دانشگاهی را محصول «پایان‌نامه‌سازی‌ها» و «تحقیقات ناکارآمد» می‌دانند که در نتیجه آن، استادان فرصت پرداختن به این حجم از دانشجو را ندارند. نظر شما درباره این اظهار نظر چیست؟

بله، قطعاً عوامل مختلفی دخیل هستند اما این حال معتقدم استادان و جامعه نخبگان باید به عنوان یک فیلتر در برابر موانع تولید فکر عمل کنند. بسیاری از استادان دانشگاه‌ها با محافظه‌کاری، از ورود به مباحث چالش‌برانگیز کشور می‌هراسند و صرفاً

ادامه از صفحه اول

در این فضا، آنچه به نظر می‌رسد شکاف میان کشورهای جهان سوم با کشورهای سرمایه‌داری است. گویی در کنار سرمایه و قدرت، امروزه «علم» نیز از دیگر شکاف‌های میان جوامع شده است. در این مجال، قصد ما پرداختن به علل این شکاف نیست بلکه می‌کوشیم تا بررسی تطبیقی میان وضعیت تولید فکر در ایران در مقایسه با غرب ارائه کنیم؛ اینکه آنها بر چه سنت فکری قرار دارند که مسیر تولید فکر را احیاناً هموارتر طی می‌کنند. از این رو به سراغ حجت‌الاسلام دکتر محمدحسین مختاری، رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی رفتیم. او سال‌ها در دانشگاه دورهام انگلستان مشغول تحصیل بوده و به این واسطه بخوبی با فضای فکری و تولید فکر در غرب آشنا است. تخصص او پیرامون مطالعات «هرمنوتیک» است و بر این اساس، بر شرایط زمانی و مکانی تولید فکر تأمل کرده است؛ اینکه چه بسترهایی برای تولید فکر در یک جامعه ضروری است؟ آنچه در ادامه می‌آید، ماحصل گپ‌وگفت روزنامه ایران با دکتر مختاری است که می‌خوانید:

جناب دکتر مختاری، در هر جامعه‌ای چه بسترهایی برای تولید فکر ضروری است؟

یکی از خصایص و ویژگی‌های مراکز آکادمیک این است که ایده‌های جدید ارائه کنند و مولد باشند، این در حالی است که این نوازیی مستلزم وجود شرایط و بسترهایی مناسب است. معتقدم بسترهایی لازم برای تولید فکر در جامعه را باید از بخش‌های آموزشی و آن هم از دوران راهنمایی و دبستان آغاز کرد. از جمله معایب نظام آموزشی ما، تأکید صرف بر «آموزش» است، این در حالی است که آموزش باید در کنار پژوهش صورت گیرد. از این رو باید روحیه «مسأله محوری» که در پژوهش برجسته می‌شود را نه تنها در سطوح آموزش عالی بلکه در سطوح راهنمایی و دبیرستان نیز تسری داد. وقتی این نگاه نهادینه شود، فرد در هر موضوع و مسأله‌ای، پرسشی خواهد داشت. خاصیت «علم نافع» این است که همراه با «پرسشگری» باشد.

معتقدم از جمله چالش‌های بنیادین در پژوهش‌های موجود در حیطه علوم انسانی می‌توان به گسست معرفتی و بی‌توجهی به نیازهای جدید و کمبود ایده‌پردازی و نوآوری اشاره کرد. حال آنکه در علوم انسانی غربی «تکثرهای معرفتی» به عینه مشاهده می‌شود که این شاخصه کلیدی، محصول نقد و اهتمام به نیازهای جدید و تلاش و رقابت پژوهشگران غربی برای پاسخگویی به بحران‌های آن جوامع است. ارتقای کیفی علوم انسانی از جمله مهم‌ترین اهداف پژوهش است؛ لذا همان گونه که اروپا از علم دانشمندان اسلامی بهره برد و «علم جدید» را طرح کرد، پژوهشگران داخلی نیز باید برنامه‌هایی را برای سامان بخشی به علوم انسانی در نظر گیرند.

برای تحقق این مهم باید متولیان علمی کشور به ترویج نهضت ترجمه آثار و اندیشه‌های جوامع غربی و دیگر جوامع بشری در حیطه علوم انسانی اهتمام ورزند؛ زیرا توقف در مسائل سنتی و اصرار بر روش‌شناسی سنتی در تولید علم، حوزه‌های معرفتی کشور را از پویایی فکر و اندیشه دور خواهد کرد.

شما بسترهای تولید فکر در یک جامعه را به نهادهای متولی آموزش محدود می‌دانید؟!

خیر، نهادهای دیگر نیز مؤثر هستند. بویژه آنها که متصدی امر فرهنگ هستند. واقعیت این است که همه نهادها به نوعی نقشی کلیدی دارند و تولید فکر در یک جامعه، مساعدت جمعی را طلب می‌کند. **در بحث تولید فکر به نهادهای «فرهنگی» و «آموزشی» اشاره کردید، نهاد «سیاست» چقدر می‌تواند وضعیت تولید فکر در یک جامعه را متأثر از خود کند؟**

البته این تأثیر و تأثر را نمی‌توان در بین نهادها

در پی روزمرگی و گذران امور آموزشی و پژوهشی خود هستند. استادانی که انتزاعی‌تر هستند و در نهضت ارائه مقالات همایشی و مقالات ISI انویسی و شرکت در کنفرانس‌های متعدد بشدت اهتمام دارند از طرف سیاستگذاران علمی باسوادتر ارزیابی می‌شوند! در حالی که استادانی که با اجتناب از انتزاعیات و البته با دغدغه‌مندی در پی رفع مشکلات اجتماعی این مرز و بوم هستند همواره مورد انتقاد قرار می‌گیرند که چرا نتوانسته‌اند مقالات متعدد ISI داشته باشند!

از سوی دیگر، پژوهش‌ها در حوزه علوم انسانی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمی، ماکت تقلیدی و البته تقلیلی از مبانی علوم انسانی غربی است که بسیار سطحی، وارداتی و به صورت جزئی و ناقص از کشورهای غربی وارد فضای علمی کشور شده است. حال در این میان، نقش حوزه‌های علمی در تشدید وضعیت نابسامان کنونی در مقوله تولید علم کمتر از خبط ساختار علمی دانشگاه‌ها نیست بلکه عدم تخصیص بودجه و اعتبارات مالی و نیز فقدان نقش‌آفرینی نخبگان حوزه در امر تولید علم غیرقابل انکار است، در حالی که منشأ شکل‌گیری علوم انسانی غربی در سراسر اروپا منبعث از نگاه دینی (یهودی و مسیحی) است و ساختار متعدد علمی در غرب بر مبنای آموزه‌های دینی آن جوامع همچون نگاه یهودی فروید، نگاه مسیحی ماکس وبر و نگاه یهودی کارل مارکس... شکل گرفته است.

متأسفانه حوزه‌های علمی نتوانسته‌اند منابع خام موجود در اسلام را به علوم انسانی تبدیل کنند، البته در صورت تحقق این مهم، حوزه‌های علمی می‌توانستند بازتولید معارف اسلامی را به عنوان منبع متقن از آموزه‌های وحیانی اسلام به مراکز علمی و پژوهشی در حیطه علوم انسانی ارائه نمایند اما واقعیت خلاف این مطالبه را نشان می‌دهد.

با این تفاسیر، حوزه و دانشگاه به چه میزان در خلایق و تولید دانش بر مبنای «ایده‌پردازی» موفق عمل کرده‌اند؟

متأسفانه این دو نهاد مهم علمی و معرفتی کشور در پاره‌ای از موارد خود، مصرف‌کننده مطلق و ضد تولید به شمار می‌آیند، زیرا حوزه با غفلت از نیازهای روز جامعه، تمرکز فقهی و اصولی خود را به گذشته معطوف کرده است و تقریرات مکرر سرفصل‌های دروس فقه و اصول با رویکرد «نگاه به نیازهای گذشته» سیستم دانشی و فکری حوزه را از جامعه دور کرده است، حال آنکه با چنین رویکردی نمی‌توان خلایق و نوآوری حوزه در مواجهه با وقایع جامعه امروزی را به نظاره نشست. همچنین پژوهش‌های دانشگاه‌ها نیز با بی‌اعتنایی مفرط نسبت به نیازهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... مردم صرفاً به تولید مقاله، کتاب و پایان‌نامه‌های غیرهدفمند پرداخته است که در نهایت هر دو نهاد دانشی و پژوهشی کشور با عدم تولید فکر و نظریه پیش رفته‌اند.

راه حل شما برای به جریان افتادن علم و تولید فکر در کشور چیست؟

نقش نخبگان جوان و نیز جنبش‌های دانشجویی و علمی برای تقویت علوم دانش بنیان و لزوم ایجاد نهضت ترجمه آثار و منابع اصلی غرب برای فهم علوم انسانی غرب غیرقابل انکار است.

همچنین اجتناب حوزه از تمرکز در ساحت فردی فقه و ورود عالمانه به دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. لازم به ذکر است به حاشیه راندن نخبگان، کیفیت نیروی انسانی کشور را کاهش داده است که پدیده مدرک‌گرایی در بین مدیران و معضل دکترای یک‌شبه، امکان رقابت سالم در ساختار علمی کشور

را محدود و محدودتر کرده است.

بی‌تردید استادان و پژوهشگرانی که حتی به یک زبان بین‌المللی اشراف ندارند و نمی‌توانند منابع اصلی علم را مطالعه کنند، چگونه خواهند توانست به پژوهش در منابع اصلی آن رشته و فهم دقیق مسائل و چالش‌های موجود در علوم انسانی اهتمام ورزند!

بی‌شک شکل‌گیری «اجتماع علمی» از جمله بسترهای تولید فکر در هر جامعه است. جامعه ما در مقایسه با غرب چقدر از این فرصت بهره گرفته است؟

به نظر می‌رسد «تضارب آرا» در غرب وجه غالب‌تری دارد و معمولاً اهالی فکر برای گفت‌وگو دور هم جمع می‌شوند و این گفت‌وگو صرفاً به استادان محدود نمی‌شود، پس از گفت‌وگوی استادان، دانشجویان نیز در ادامه به گفت‌وگوی آنان ملحق می‌شوند. این امر در بعضی از دانشگاه‌های ما به صورت جسته و گریخته انجام می‌شود اما خروجی ندارد. باید عطشی در نسل جوان و دانشجویان ما شکل گیرد که این را جزء کار اساسی خود در دانشگاه بدانند.

سنت فکری حاکم در غرب به منجر به تولید فکر در آنجا شده است را چگونه معرفی می‌کنید؟
مباحث علوم انسانی در غرب بیشتر جنبه کاربردی دارد اما متأسفانه بسیاری از مباحث ما در داخل کشور همچون فلسفه، جامعه‌شناسی و... بیشتر جنبه انتزاعی دارد. این در حالی است که غربی‌ها حتی در قالب انیمیشن نیز می‌کوشند مفاهیم فلسفی را به کودکان منتقل کنند.

همچنین آنان با تبدیل علوم در قالب «مضاف» به دنبال پیاده‌سازی علم در متن جامعه بودند. یکی از موفقیت‌های غربی‌ها در توسعه علوم انسانی و تولید فکر، آوردن علوم انتزاعی و انسانی به سطوح مختلف زندگی انسان در دو قلمرو فرد و جامعه است. اگر با این روش علوم انسانی پیاده شود و جنبه کاربردی پیدا کند، ما به لحاظ تولید فکر به غرب نزدیک می‌شویم.

نکته قابل‌تأمل دیگر در سنت فکری غرب، انتخاب رشته تحصیلی بر اساس اشتیاق و علاقه دانش‌آموزان است نه بر اساس بازار کار. در غرب وقتی کسی رشته فلسفه را انتخاب می‌کند که واقعاً به آن علاقه‌مند و حرفی برای گفتن داشته باشد، اما در جامعه ما متأسفانه دانش‌آموزان متناسب با علایق خود تحصیل نمی‌کنند. غرب واقعاً این امتیاز را دارد و این امر به فرهنگ آن جامعه بدل شده است. در غرب سیاستگذاران علمی و فرهنگی بررسی می‌کنند که کدام رشته مورد ملامت است و با فرهنگ‌سازی به آن بها می‌دهند.

همچنین نگاه ایجابی به «نقد» از دیگر امتیازات سنت فکری غرب است. این در حالی است که نقد در ایران جنبه سلبی دارد. آنجا وقتی برای کتاب یک صاحب قلم، جلسه نقدی گذاشته می‌شود، فرد احساس می‌کند که به اثر او بها داده شده است. این در حالی است که ما اغلب نقد را بر نمی‌تابیم. معتقدم در همین جلسات «نقد» و «گفت‌وگو» است که ایده‌ها شکل می‌گیرد و هرمنوتیک هم اساساً همین است. هرمنوتیک یعنی کشف راز و رمزی که ورای الفاظ وجود دارد. کشف تنها به زبان و لفظ محدود نمی‌شود بلکه هر کسی بر اساس جغرافیای فکری خود از متون، ایده و سوژه می‌گیرد.

می‌خواهم بگویم باید این خلایق در ما شکل گیرد که حتی از مکالماتمان ایده نو بگیریم. این خود یک فرهنگ است که باید در جامعه نهادینه شود. این یک تلاش جمعی را می‌طلبد البته رسانه‌ها، سیاستگذاران و قانونگذاران همه در شکل‌گیری ایده‌ها نقش دارند.

سال گذشته کنفرانس سه‌روزه‌ای با حضور دویست تن از علمای اهل سنت در گروزی. پایتخت چین. برگزار شد که شرکت‌کنندگان در بیانیه پایانی، بر برائت خود از فرقه وهابیت و سلفی‌گری تکفیری تأکید کردند و آن را خارج از مذهب اهل سنت و باعث خدشه‌دار شدن وجهه اسلام ناب محمدی (ص) دانستند. این کنفرانس با هدف شناسایی و معرفی هویت اهل سنت و جماعت، با حضور شمار زیادی از علمای اهل سنت به‌ویژه احمد الطیب (شیخ الازهر مصر)، به میزبانی گروزی و با حضور علما و اندیشمندان ارشد اهل سنت جهان اسلام از مصر، سوریه، اردن، سودان و اروپا برگزار شد و با صدور بیانیه‌ای به کار خود پایان داد.

مهمترین نتیجه این کنفرانس، خروج وهابیت از دایره اهل سنت بدین‌گفتار بود: «اهل سنت و جماعت، در اعتقاد و مذاهب کلامی اشاعره و ماتریدی، و پیروان مذاهب چهارگانه اهل سنت در فقه (حنبل، حنفی، شافعی و مالکی) و اهل تصوف هستند».

شرکت‌کنندگان در این کنفرانس همچنین، مؤسسات دینی سنتی قدیمی را شامل «الازهر»، «القرویین»، «الزیتونه»، «حضر موت»، «مراکز علمی و پژوهشی و مؤسسات دینی و علمی روسیه» را مشخص کردند و مؤسسات دینی سعودی را در زمره مؤسسات اهل سنت وارد نکردند.

شیخ شوقی غلام (مفتی اهل سنت مصر)، شیخ اسامه الزهری (مشاور رئیس‌جمهور مصر و معاون کمیسیون دینی پارلمان این کشور)، شیخ علی جمعه (مفتی پیشین مصر)، شیخ عبدالفتاح البزم (مفتی دمشق) از جمله شخصیت‌های مهم حاضر در کنفرانس بودند که واکنش تند و تلخ وهابیت را برانگیخت.

با توجه به میلیاردها دلاری که مؤسسات سعودی برای ترویج وهابیت در جهان و به‌ویژه قفقاز هزینه کرده‌اند، طبیعی است که از نتیجه این کنفرانس به خشم آیند. خاصه آنکه رهبران و علمای چین و قفقاز با بیان اینکه «شیخ الازهر، امام اهل سنت و جماعت است»، ضربه بزرگی به مفتیان وهابی سعودی وارد کردند که خود را پرچمدار اهل سنت معرفی می‌کنند. متقابلاً آنها نیز این کنفرانس را توطئه روسی تلقی کردند و هجمه خود را آغاز کردند؛ به طوری که عادل الکلبانی (خطیب سابق مسجد ملک خالد ریاض) نوشت: «کنفرانس چین باید هشدار برایمان باشد که جهان برای سوزاندن ما هیزم جمع کرده است!» و «هیئت کبار العلماء سعودی» با ابراز خشم شدید از این کنفرانس، آن را در چارچوب شعله‌ور کردن آتش تعصب و درگیری میان فرقه‌های اسلامی قلمداد کرد!

محمد آل الشیخ (از خاندان مؤسس وهابیت) نوشت: «مشارکت شیخ الازهر در کنفرانس گروزی که سعودی را از عناوین اهل سنت کنار گذاشت، این مسئله را بر ما ضروری می‌کند تا در تعامل خود با مصر تغییر ایجاد کنیم؛ وطن برای ما مهمتر است. مصر السیسی باید ویران شود. کنفرانس چین با نظارت اطلاعاتی روسیه و ایران برای خارج کردن سعودی از اهل سنت و جماعت برگزار شد.» و السقا (مسئول مؤسسه الدرر السنیه) گفت: «بیانیه کنفرانس چین، خفت بار است؛ زیرا سبب پراکنده شدن جماعت به خاطر خارج کردن وهابیت از مذهب اهل سنت و جماعت شده است.» یوسف القرضاوی (رئیس اتحادیه جهانی علما) مدعی شد: «این کنفرانس به جای تجمیع اهل سنت در یک صف واحد در مقابل فرقه‌های منحرف از اسلام، عنوان و صفت اهل سنت را از اهل حدیث و سلفی‌های وهابی نفی می‌کند، در حالی که آنها عنصر اصلی از عناصر اهل سنت و جماعت هستند!» شیخ محمد بن السعیدی (استاد دانشگاه ام‌القری) ادعا کرد: «کنفرانس گروزی توطئه‌ای علیه جهان

گفتگو با شیخ محمد صالح الموعد، رئیس و سخنگوی مجلس علمای فلسطین

برخی معتقدند که وحدت مسلمانان از طریق دورکردن شیعیان و صوفیان از جهان اسلام است. آیا این نقشه درست است؟

مجلس علمای فلسطین در لبنان معتقد است که شیعه و سنی، مسلمان و دو بال این امت هستند. خون، مال و ناموس‌شان حرمت دارد و دشمنشان واحد است و آن هم صهیونیست‌ها هستند. وحدت امت بدون یکی از این‌ها باطل است. پذیر نیست. هر کس که در صدد تفرقه در میان امت باشد، دشمن خدا، پیامبر (ص)، مؤمنان، مسجد الاقصی، قدس و تمامی فلسطین است.

اهل سنت و جماعت چه کسانی هستند؟

کنفرانسی در گروزی. پایتخت جمهوری چین. برگزار شده است. عنوان این کنفرانس، بررسی و پاسخ به این پرسش مهم بوده است: «اهل سنت و جماعت چه کسانی هستند؟» این پرسش اهمیت بسیاری دارد. بدیهی به نظر می‌رسد؛ اما با اندکی تأمل، متوجه می‌شویم که از دامنه‌ای گسترده و نیز پیچیده‌ای برخوردار است. واکنش‌هایی که نسبت به این کنفرانس و بیانیه پایانی آن، از سوی عالمان سلفی در عربستان و مصر و دیگر کشورهای عربی صورت گرفت، نشانه روشنی است که طرح چنان پرسشی آسان نبوده است. شیخ یوسف قرضاوی، عالم مصری که مقیم قطر است و از عنوان رئیس جمعیت علمای اسلام استفاده می‌کند؛ این کنفرانس را «مؤتمر الضرار» خوانده و خواسته است این کنفرانس را به مثابه ساخت مسجد ضرار در زمان پیامبر اسلام (ص) تلقی و یا القاء کند. دیگران هم از عناوینی مثل: «مؤتمر الفتنه» و «مؤتمر الشیطان» استفاده کرده‌اند؛ برخی از نویسندگان و روزنامه‌نگاران عرب کوشیدند تا رد پای از ایران در این کنفرانس پیدا کنند. چرا چنین واکنش‌هایی صورت گرفته است؟ چرا این کنفرانس را به مثابه بمبی که در چین منفجر شد، تعبیر کرده‌اند؟

یکم: این کنفرانس با مشارکت الازهر الشریف برگزار شده است. شیخ احمد الطیب (رئیس الازهر)، علامه شوقی غلام (مفتی مصر) و شیخ علی جمعه (مفتی سابق مصر) در کنفرانس شرکت داشته‌اند.

سخنران نخست کنفرانس، شیخ علی جمعه بود که با عنوان: کلمه التائیری، در واقع خط مشی کنفرانس را طراحی کرد و در سخن خود از احمد الطیب به عنوان «امام اهل السنه و الجماعه» نام برد. این عنوان بدیهی است که خوشایند عالمان عربستان و جمعیت کبار علمای اسلام نخواهد بود.

دوم: شیخ علی جمعه با استناد به حدیث جبریل، سه مرحله یا مرتبه «ایمان» و «اسلام» و «احسان» را از یکدیگر تمییز داد. شیخ علی جمعه ایمان را «عقیده»، و اسلام را «فقه»، و احسان را «سلوک» تفسیر کرد؛ تفسیری که تقریباً جمله عالمان اهل سنت با آن موافقت. متن حدیث نیز که در صحیح مسلم و صحیح بخاری روایت شده است، متناسب با چنین تفسیری است.

سوم: «بُعد ایمان» با توجه به مکتب اشعری و ماتریدی، «بُعد اسلام» با توجه به چهار مذهب و مکتب فقهی حنفی و مالکی و شافعی و حنبلی و «بُعد احسان» با توجه به مسلک شیخ جنید بغدادی و امثال او صورت‌بندی شده است.

اعتراضات موجب شد که بعداً در بخش اعتقاد پس از عبارت: «اهل السنه و الجماعه، هُم الاشاعره و الماتریدیّه» در گیومه: «منهَم اهل الحدیث المفوضه» را اضافه کنند.

پیداست چه معرکه‌ای برپا شده است. عملاً سلفی‌ها و وهابیت از دایره اهل سنت و جماعت کنار گذاشته شده‌اند و صراحتاً اهل تصوف به عنوان اهل سنت و جماعت قلمداد شده‌اند. نمی‌دانم آیا در حوزه علمیه قم به این اتفاق بسیار بسیار مهم و بیانیه پایانی کنفرانس شیشان توجه شده است.

منبع: روزنامه اطلاعات

نماز و روزه و زکات و حج یکسان هستند. حرام و حلال پیامبر (ص) نیز برای اهل تسنن و شیعیان حرام و حلال است. اختلافات فقهی نیز در میان تمامی مذاهب سنی و شیعه موجود است و از فقه و دین نشأت می‌گیرد.

باید هوشیار باشیم که برخی در صدد توطئه چینی و طرح دسیسه برای تجزیه امت هستند که در رأس آنها نیز آمریکا و دشمن صهیونیستی است. ما باید بر اساس مصالح خود، گرد هم آییم.

آیا الازهر مرجعی حقیقی برای اهل تسنن در جهان اسلام محسوب می‌شود؟ در شرایطی که الازهر برای نزدیکی میان مذاهب اسلامی تلاش می‌کند، برخی از شیوخ سعودی برای تفرقه در جهان اسلام تلاش می‌کنند.

ما از کتاب الله و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت استفاده می‌کنیم. خداوند فرموده که «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا؛ همان‌جا که ریسمان الهی پنگ برزند و پراکنده مشوید.» همچنین پیامبر (ص) تأکید کرده‌اند که: «یدالله مع الجماعه؛ دست خداوند با جماعت است»، به علاوه ایشان فرموده‌اند که: «مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم و تعاطفهم و تماسکهم، کمثل الجسد الواحد؛ اذا اشتكى منه عضو، تداعت له سائر الاعضاء بالسهر و الحمی؛ مؤمنان در دوستی‌شان با هم و رحمت و مهرورزی‌شان به یکدیگر، همانند یک پیکر عمل می‌کنند؛ هنگامی که عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضا نیز در بی‌خوابی و تب با او همدردی می‌کنند.» این مفاهیم از سوی الازهر نیز بیان می‌شود. بنابراین الازهر مرجعی برای بخش گسترده‌ای از اهل تسنن محسوب می‌شود. بسیاری از علما نیز هستند که ضمن تأکید بر وحدت، با فتنه و تکفیر کردن مخالفت می‌کنند و معتقدند که باید با مخالفان، گفتگو کرد نه اینکه آنها را تکفیر کرد؛ زیرا با برادر دینی ما هستند و یا اینکه یک انسان محترم می‌باشند؛ این توصیه حضرت علی علیه‌السلام است.

چرا وهابیت در صدد است تا صوفیان را از دایره اهل تسنن خارج کند؟ آیا این موضوع به نظرات ابن تیمیه مربوط است؟

وهابیت در صدد است تا همگان را از اهل تسنن بیرون کند! آنها نخستین کسانی بودند که به اشاعره حمله کردند. این در حالی است که اشاعره خود اکثریت مسلمانان اهل سنت را تشکیل می‌دهند به جز یک اقلیت کوچک که جزئی از آن، وهابی‌ها هستند. آیا یک گروه کوچک می‌تواند به جای تمامی مسلمانان اهل تسنن تصمیم بگیرد؟ هر کس در صدد باشد تا اکثریت را اخراج کند، در ابتدا خودش را اخراج کرده است. ابن تیمیه هیچ یک از مسلمانان را تکفیر نکرد. باید به علما با وجود اختلاف نظرشان احترام گذاشت.

علت اینکه هر کنفرانسی که از سوی اهل تسنن در مکانی غیر از ریاض برگزار می‌شود، ناچیز و بی‌ارزش جلوه داده می‌شود، چیست؟ آیا درست است که اهل تسنن به اعراب حاشیه خلیج فارس محدود گردند؟

هیچ‌کس نمی‌تواند مانع از برگزاری کنفرانسی به سود امت اسلام، در هر کشوری گردد. صرف نظر از مکان برگزاری این کنفرانس‌ها، ما از برگزاری چنین کنفرانس‌هایی در راستای منافع امت استقبال می‌کنیم و همچنین به این امر تشویق می‌کنیم. هر کس غیر از این فکر کند، عقل کمی دارد و مصلحت هیچ‌کس را نمی‌خواهد. امت ما به برگزاری صدها نوع از این کنفرانس‌ها نیازمند است؛ زیرا دشمنان این امت، به‌ویژه رژیم صهیونیستی جنایتکار، در کمین مسلمانان هستند. اهل تسنن با غده سرطانی صهیونیست‌ها مخالفت. کشورهای حاشیه خلیج فارس و دیگران نیز نمی‌توانند بر این تصمیم اهل تسنن که از اسلام ناب محمدی سرچشمه می‌گیرد، تأثیر بگذارند.

اسلام به‌ویژه عربستان و با هدف بازگرداندن عقل مسلمان به خرافه‌گری و پرده‌داری قبور است! و نهایتاً اینکه محمد البراک دیگر شیخ وهابی گفت: «در کنفرانس چین، توطئه‌گران می‌خواستند اهل سنت را اخراج کنند که خود را اخراج کردند».

از یاد نباید برد که با توجه به جنایت‌هایی که وهابی‌ان در قفقاز مرتکب شده‌اند، یک هدف کنفرانس، تبری جستن اهل سنت از انحرافات این فرقه بوده است. اسامه الازهری (مشاور رئیس‌جمهور مصر) به همین نکته اشاره می‌کند که کنفرانس چین با هدف پرداختن به مشکلات عقیدتی و فکری در جهان اسلام است که جریان‌های تروریستی افراطی در پایه‌ریزی شیوه‌های ویرانگر خود از آن سوءاستفاده می‌کنند، در مسیر تکفیر و منفجر کردن قدم به قدم حرکت می‌کنند، اما مؤسسات دینی ذی‌ربط این خطر را درک نکرده و گامی برای مهار تکفیر برنداشته‌اند. افراطیون تلاش می‌کنند اسلام را به عنوان نمونه‌ای برای تخریب، ویرانگری، تفرقه و دشمنی‌پایی نشان دهند.

در گروزی بر این نکته تأکید شد: «این کنفرانس، نقطه عطف مهم و ضروری برای اصلاح انحراف شدید و خطرناکی است که مفهوم اهل سنت و جماعت را در پی تلاش‌های افراطیون برای ربودن این لقب و محدود کردن آن به خود و اخراج شایستگان از آن به کار می‌گیرد.» در همین راستا عبدالهادی القصبی (یکی از علمای شرکت‌کننده در کنفرانس) می‌گوید کنفرانس بین‌المللی چین در شرایط و زمان بسیار مهمی برگزار شد؛ چرا که جهان شاهد افراط‌گرایی و تروریسم است و مصر به عنوان تربیونی برای میانه‌روی سنی در جهان از شرکت در این کنفرانس خرسند است.» خلاصه اینکه به گفته عبدالباری عطوان تحلیلگر مطرح عرب: «کنفرانس گروزی گام بزرگی برای گرفتن مرجعیت اهل سنت از سعودی و اثبات تروریستی بودن فکر وهابی است...» گفتگوی زیر با شیخ محمد صالح الموعد (رئیس هیأت مشورتی و سخنگوی رسمی مجلس علمای فلسطین)، در همین باره انجام شده است و با آنکه مدت‌ها از برگزاری کنفرانس می‌گذرد، به دلیل اهمیت موضوع، در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. ضمناً یادداشتی از دکتر مهاجرانی نیز بدان پیوست شده است:

گفتگو با شیخ محمد صالح الموعد

موضع شما درباره اظهارات شیخ احمد الطیب در کنفرانس گروزی که وهابیت و سلفی‌گری را در دایره اهل سنت تعریف نکرده چیست؟

شیخ الطیب به اصرار بر وحدت میان مسلمانان شناخته می‌شود؛ به‌ویژه اینکه پیش از این نیز تأکید کرده بود که شیعه و سنی دو بال این امت هستند؛ بنابراین باید بگویم که قصد شیخ الطیب از بیان اظهارات درباره وهابی‌ها و سلفی‌ها این است که: هر کس مردم را تکفیر کند، میان مسلمانان جایگاهی ندارد. همچنین مقصود ایشان از بیان این سخن، این بوده است که هر کسی که در راستای تفرقه مسلمانان و از بین بردن وحدت آنها و توطئه علیه مقاومت‌شان اقدام کند، باید از میان مسلمانان برود و باید به دنبال رئیس‌ان خود در غرب و آمریکا و دشمن صهیونیستی باشد که در صدد بهره‌بردن از این فتنه هستند. این در حالی است که کنفرانس گروزی از این اصول تجاوز نکرد.

ویژگی‌های اسلام سنی واقعی چیست؟ آیا اهل سنت واقعا به تکفیر دیگر مذاهب معتقدند؟ یا نشانه‌هایی برای نزدیک کردن دیدگاه‌ها با شیعیان و اهل تسنن و دیگر گرایش‌های فکری وجود دارد؟

اهل تسنن دائماً بر وحدت مسلمانان تأکید دارند. اهل تسنن و شیعیان هر دو مسلمان و دو بال این امت هستند. دین هر دو نیز اسلام است و دارای خدای واحد، پیامبر واحد، قبله واحد، قرآن واحد،

تفاوت‌های ما با علوم انسانی مدرن پرداخت و گفت: یکی از تفاوت‌های جدی ما با علوم انسانی مدرن در معیارهای سنجش قضایای علوم انسانی است. ما معتقدیم آزمایش و تجربه می‌تواند معیار سنجش صحت نظریه‌های علوم انسانی باشد، اما این معیار قطعی نیست. در مقابل، ما معتقدیم معیارهای قطعی وجود دارد که وحی یکی از آنهاست. همچنین قواعد عقلی ثابت که ما در علم اصول فقه اثبات می‌کنیم، می‌تواند معیار دیگری باشد که اینها سنجه‌هایی برهانی و قطعی‌اند. اساس و بنیان علوم انسانی اسلامی متفاوت با علوم انسانی غربی است. البته علوم انسانی غربی قابل استفاده است و همه‌اش باطل نیست اما ما می‌توانیم علوم انسانی دیگری ارائه کنیم که هم از لحاظ منابع و هم معیارهای سنجش، از استحکام بیشتری برخوردار باشد.

وظیفه علوم انسانی تولید فقه نظام است

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در بخش آخر سخنانش به فقه نظام و رابطه آن با علوم انسانی اسلامی پرداخت و در توضیح مفردات بحث گفت: منظور از نظام، نظام اجتماعی است؛ یعنی فقهی که احکام مربوط به رفتارهای اجتماعی را تبیین می‌کند. وی در تعریف رفتارهای اجتماعی گفت: دو تعریف برای رفتارهای اجتماعی وجود دارد. تعریف اول؛ وقتی که فعل مکلف مشروط به فعل مکلف دیگر باشد؛ یعنی فعل، موضوع حکم فقهی قرار نمی‌گیرد مگر اینکه مکلف دیگری به آن ضمیمه شود. در تعریف دیگر ما معتقدیم که «نفس اجتماعی» و «من اجتماعی» وجود دارد، همانطور که «من فردی» وجود دارد. البته از آراء برخی بزرگان این استنباط می‌شود که با این تعریف موافق نیستند. در این اجتماع، قوام جامعه به وجود دستگاه حاکمیت است که فاعل این احکام، همه مردم هستند ولی شروع آن از دستور حاکم است. فقه نظام، یعنی فقه انسان اجتماعی، یعنی فقهی که تکلیف جامعه را معین و جامعه به موجب آن، وحدت در اراده اجتماعی پیدا می‌کند. موضوع فقه فردی افعال یک فرد مکلف است، اما موضوع فقه اجتماعی باید‌ها و نباید‌ها و حلال و حرام رفتار اجتماعی است. پس تربیت یک فرد با تربیت جامعه دو فضای کاملاً متفاوت است و هر یک، احکام خاص خودش را دارد و یکی از وظایف علوم انسانی اسلامی تولید فقه نظام است که ناظر به رفتارهای جامعه اسلامی است.

منبع: صبح نو

آیت الله اراکی در دومین دوره آموزشی مدرسه آفاق:

وظیفه علوم انسانی اسلامی، تولید «فقه نظام» است

مفصل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مسلک اول، وجوب نظری یا ضرورة الوجود؛ مسلک دوم، امکان یا لاضروره؛ مسلک سوم، وجوب عملی. قائلین به مسلک اول معتقدند قانون علیت بر رفتارهای انسان حاکم است، همان‌طور که بر بقیه پدیده‌های عالم حاکم است. لذا رفتارهای انسانی را با همین تقریر، قانونمند می‌دانند و می‌گویند: رفتارهای انسان قابل پیش‌بینی و مدیریت است. این نظریه مورد قبول غالب فیلسوفان مسلمان است که البته یکی از نقاط چالش مکتب اصولی قم و نجف در پذیرش و عدم پذیرش این مسلک است. مکتب اصولی قم چون متأثر از گرایشات فلسفی بوده است معتقد به این مسلک است، اما مکتب اصولی نجف مسلک دوم را قبول دارند. وی در توضیح مسلک دوم گفت: قائلان به این مسلک، قلمرو قانون علیت را فقط به رفتارهای غیرارادی محدود می‌دانند و در رفتارهای انسانی و ارادی نمی‌توانیم قانون علیت را جاری بدانیم در حالی که فلاسفه می‌گویند اساساً قانون علیت استثنایذیر نیست. در مقابل، متکلمان و اصولیان نجف می‌گویند این قانون استثنایذیر است. مثلاً مرحوم شهید صدر که در جرگه معتقدان به مسلک امکان است، نحوه پیدایش رفتارهای ارادی را به صورت خاصی توجیه می‌کند و می‌گوید اگر رفتارهای ارادی ضروری الوجود شود از ارادی بودن خارج می‌شود و تحت قانون علیت قرار می‌گیرد.

انسان به خودش دستور می‌دهد

آیت الله اراکی در توضیح نظریه مورد نظر خودش (مسلک سوم) گفت: ما معتقدیم قانون علیت استثنایذیر نیست و معتقد به امتناع ترجیح بلامرجح هستیم، یعنی چیزی که وجود و عدمش یکسان است، به وجود نمی‌آید. هر شیء از نظر ذات، ممکن است؛ یعنی می‌تواند باشد و می‌تواند نباشد، اما از نظر واقع، بودن یا نبودنش حتمی است. ما با نظریه وجوب در مبنا همراه هستیم، یعنی معتقد به امتناع ترجیح بلامرجح هستیم. با این تفاوت که مرجح را لزوماً علی نمی‌دانیم، بلکه «باید اخلاقی» هم می‌تواند مرجح باشد. بنابراین دیدگاه، ما می‌توانیم علوم انسانی داشته باشیم؛ یعنی علمی که قابلیت پیش‌بینی رفتارهای انسانی و مدیریت آن را به ما می‌دهد؛ اما اگر مسلک دوم را بپذیریم، نمی‌توانیم بر علمی بودن قضایای علوم انسانی اعتماد کنیم و نتایج قضایای علوم انسانی غیرحتمی خواهد بود. وی در تبیین نظریه مختار گفت: به نظر ما قانون امتناع ترجیح بلامرجح کاملاً درست و عام است، اما مرجح دوگونه است: مرجح در رفتارهای ارادی با غیرارادی فرق دارد.

دومین دوره از درس‌گفتارهای مدرسه آفاق با عنوان «طیف‌بندی حوزه در نسبت با علوم انسانی ۲» با همت مؤسسه آفاق حکمت و همکاری دفتر تبلیغات اسلامی با سخنرانی آیت الله دکتر محسن اراکی با موضوع «تبیین زیرساخت‌های فقه حکومتی برای دستیابی به علوم انسانی اسلامی» در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم برگزار شد. آیت الله محسن اراکی در مقدمه بحث به تعریف و توصیف و وظیفه علم پرداخت و گفت مجموعه‌ای قوانین بر تمام پدیده‌های عالم حاکم است که علم، کشف کننده این قوانین است. کشف این قوانین به دانشمندان آن علم، قدرت پیش‌بینی و مدیریت پدیده‌های آن علم را می‌دهد. وصف علمی، وقتی به کار می‌رود که آنچه کشف شده و به دست آمده گویای یک رابطه علی و حتمی بین دو یا چند پدیده باشد، یعنی در واقع قضیه علمی بازگوکننده رابطه حتمی بین دو یا چند پدیده است که با استفاده از روش علمی، این رابطه به دست می‌آید. گاهی برخی افراد از ترس پدیده‌ها علیت را استخراج می‌کنند، اما دلیلی برای آن ندارند و در واقع هم صرفاً ترتب دو یا چند پدیده بوده است که علیت از آن قابل استخراج و استنباط نیست.

هنر شهید صدر؛ کشف قوانین استقرا

وی در توضیح روش علمی گفت: منظور از روش علمی، روش استقرائی یا قیاسی است که شهید صدر در کتاب «أَشْسُ الْمَنْطِقِيَّةِ لِلْإِسْتِقْرَاءِ» به صورت مفصل توضیح داده است. هنر شهید صدر در این کتاب کشف قوانین منطقی استقراء است. یعنی روش منطقی‌سازی استقراء را تبیین کرده و می‌گوید استقراء می‌تواند برهان عقلی تام باشد که این نظریه از ابداعات خاص شهید صدر است.

وی در بخش اول سخنان خود این سؤال را طرح کرد که آیا قضایای علوم انسانی جزء قضایای علمی هستند یا خیر؟ منشأ سؤال این است که پدیده‌های عالم به ارادی و غیرارادی تقسیم می‌شوند و تقریباً همه علما اتفاق نظر دارند که پدیده‌های غیرارادی محکوم قانون علیت است و بر این اساس، کاملاً قابل پیش‌بینی و مدیریت هستند؛ اما پدیده‌های انسانی که ارادی‌اند، آیا محکوم قانون علیت هستند یا خیر؟ علوم انسانی یعنی علمی که موضوع آن رفتارهای ارادی انسان است. با این توصیف و پیش فرض از علوم انسانی است که سؤال از محکوم بودن و نبودن افعال انسانی تحت قانون علیت پیش می‌آید.

وی در پاسخ به این سؤال گفت: در حوزه اندیشه اسلامی، سه مسلک به این سؤال پاسخ داده‌اند که در کتاب «آزادی و علیت» این سه مسلک به صورت

دیدار علما و اندیشمندان هند با مدیر مجمع الحوار الاسلامی

اعتقادات و مفاهیم عقاید و مذاهب مختلف از طریق صاحبان آن مذاهب و عقاید خواهد بود برای مثال اگر بخواهیم عقاید و مبانی فقهی مذهب حنبلی را دریافت کنیم از متخصصین همان مذهب برای تبیین آن مذهب استفاده خواهیم کرد. ما معتقدیم که رعایت این اصل موجب خواهد شد اشتراکات مذاهب اسلامی بیش از پیش واضح و آشکار شود. وی تاکید کرد: معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در راستای تقویت همکاری های علمی و پژوهشی با علمای هندوستان آماده هر گونه همکاری در زمینه های برگزاری نشست های علمی، برگزاری دوره های کوتاه مدت تقریبی در ایران و خارج از ایران، جذب مقالات و تالیفات خواهد بود. حجت الاسلام والمسلمین نگهبان افزود: مجموعه معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی از هر گونه انتقاد و پیشنهادی برای رسیدن به آرمان عزتمندامت اسلامی استقبال می کند.

هیاتی متشکل از علما و اندیشمندان هند با حجت الاسلام والمسلمین نگهبان مدیر مجمع الحوار الاسلامی به نمایندگی از معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در پژوهشگاه مطالعات تقریبی دیدار و گفتگو کردند.

حجت الاسلام والمسلمین نگهبان در این دیدار اظهار داشت: مردم هندوستان را مردمی معتقد می‌دانیم که در هر آیینی معتقد و ملتزمند و زندگی مسالمت آمیز آنها می‌تواند الگوی مناسبی برای تمام مردم دنیا باشد.

وی افزود: معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی برای تحقق آرمان های وحدتی در جامعه اسلامی برنامه های ویژه ای در دستور کار دارد از جمله بحث معاطات علمی.

وی در توضیح طرح معاطات علمی گفت: از آنجا که هر چه به سرچشمه نزدیکتر باشیم آب گوارتر خواهد بود در طرح معاطات علمی دریافت

بازسازی عتبات عالیات از محورهای وحدت شیعه و سنی است

مدیر کل دفتر امور اجتماعی استانداری آذربایجان غربی گفت: کمک به بازسازی عتبات عالیات یکی از محورهای اصلی وحدت شیعه و سنی در استان آذربایجان غربی است.

هوشنگ عطاپور اظهار داشت: همه باید دست به دست هم بدهیم و با جمع آوری کمک های قشرهای مختلف مردم شیعه و سنی برای ادامه ساخت و ساز عتبات عالیات در جهت عزت اسلام تلاش کنیم.

وی با بیان اینکه کمک به بازسازی عتبات عالیات برای حفظ شعائر دینی امری ضروری است، افزود: مردم استان چه شیعه و چه سنی ارادت قلبی ویژه ای به ائمه اطهار (ع) دارند و قطعاً در بازسازی اماکن مذهبی به ویژه در کربلا و نجف پیشقدم خواهند بود.

مدیر کل دفتر امور اجتماعی استانداری آذربایجان غربی ادامه داد: با حمایت مسئولان استانی اقدامات خوبی در ستاد بازسازی عتبات عالیات در استان انجام شده است.

به گفته عطاپور خوشبختانه فعالیت های این ستاد موجب شده یک انرژی مثبت و یک جریان خاص در بین سازمان های فرهنگی و مذهبی استان تزریق شود.

وی با اشاره به سفر اعضای هیات امنای ستاد بازسازی عتبات عالیات استان به نجف و کربلا، معلى، گفت: با مرور افرادی که به این مکانهای مقدس کمک کرده اند می‌توان دریافت که مردم آذربایجان غربی از سده های گذشته برای بازسازی و رونق این اماکن هزینه و کمک کرده اند.

عطاپور ادامه داد: ستاد بازسازی عتبات عالیات ستادی مردمی است و مردمی هم به کارهای خود ادامه خواهد داد.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
 صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
 سردبیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (صفائیه) / نبش ممتاز
 تلفکس: ۰۲۳۳۱۴۲۷۴۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir
 استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org
 کلبه شروق: www.ketab.ir/shorouh

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

معرفی کتاب

تأسیس الشیعه الکرام

علوم الاسلام (دو جلدی)

تألیف علامه سیدحسن صدر کاظمی عاملی
 تصحیح و تحقیق محمدجواد محمود
 نشر مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، قم
 چاپ اول: ۱۳۹۵ بهای دوره: ۸۰ هزار تومان
 اسلام دین دانش و آگاهی است و دانشمندان اسلامی پیشاتازان رشته‌های فنون و علوم و قرن‌ها پرچمدار دانش بوده‌اند. در این میان دانشمندان شیعه نقش بسیار برجسته‌ای ایفا نموده و سکاندار دانش بوده‌اند. آثار به جا مانده از عالمان شیعه در رشته‌های قرائت، تفسیر، حدیث، کلام، فقه، اصول فقه، درایه‌الحدیث، شرح اخبار، دعا، اخلاق، موعظه، حکمت، تاریخ، رجال و نسب‌شناسی، ریاضیات، فیزیک، شیمی، جبر، پزشکی و... بهترین گواه این ادعاست، آنان علم را از سرچشمه اصلی آن که اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است، گرفته‌اند و پیرو شخصیتی هستند که رسول گرامی اسلام (ص) درباره‌اش فرمود: «أنا مدینة العلم و علی بابها».

آیت الله سیدحسن صدر (قدس سره) با نگارش کتاب پراچ حاضر به معرفی پیشاتازان شیعه در رشته‌های مختلف علوم پرداخته و با معرفی آنان گام مهمی در دفاع از حریم تشیع برداشته است. نخستین بار این کتاب سالها پیش، در عراق چاپ و منتشر گردید و اینک مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه با تهیه دست‌نوشته‌های مؤلف، نسخه‌های مسوده و مبیضه اقدام به تصحیح و تحقیق این اثر ارزشمند نموده است و همزمان نسخه چاپ اول نیز مورد نظر بوده؛ زیرا در بر دارنده مطالبی است که ظاهراً نویسنده محترم هنگام چاپ اول بر آن افزوده است. چاپ جدید این کتاب دارای امتیازات زیر است:

۱. به مصادر و منابعی که مؤلف محترم بر آنها اعتماد نموده، مراجعه شده و مطالب ذکر شده با آن مقابله شده و اگر مغایرتی وجود داشته، در پانوشت‌ها اشاره شده است.

۲. در مواردی که نام شخصیتی آمده و در خود کتاب شرح حالی نداشته، در پانوشت شرح حال مختصر آنان آمده است.

۳. مصادر احادیث و اقوالی که مؤلف ذکر کرده و برای آنها مصدري نیاورده، شناسایی شده و در پانوشت‌ها آمده است.

۴. در معرفی شخصیت‌های شیعی، گاه خطاهایی صورت گرفته و فردی که از اهل سنت بوده، به عنوان شیعه معرفی شده است. در تحقیقات انجام شده، این خطاها در پانوشت‌ها یادآوری و ادله آن ذکر شده است.

۵. علاوه بر تحقیقات مصحح، از تعلیقات ارزشمند آیت‌الله شبیری زنجانی و علامه سیدعبدالستار حسینی در پانوشت‌ها استفاده شده و این کار بر غنای کتاب افزوده است. همچنین زندگی‌نامه مبسوط مؤلف به قلم شیخ محمدحسین واعظ نجفی در آغاز کتاب، و رساله سودمند علامه شرف‌الدین «مؤلفی الشیعه» در پایان کتاب به آن افزوده شده است.

دکتر صالحی امیری:

استاد مهدی محقق، سرمایه‌ای است که ایران و ایرانی هر کجای جغرافیا که باشد به او افتخار می‌کند

داد: «کتاب این بزرگداشت‌ها باید در مدارس پخش شود تا دختران و پسران ما به جای الگوبرداری از فلان آمریکایی از این مفاخر پیروی کنند.» او از اینکه چرا برای تربیت جسم جوانان سالن‌های چندصد هزار نفری دایر شده اما برای تربیت روح آنان محلی وجود ندارد گلایه کرد و گفت که باید شرایطی فراهم شود تا جوانان با زندگی و فعالیت‌های بزرگان خود آشنا شوند.

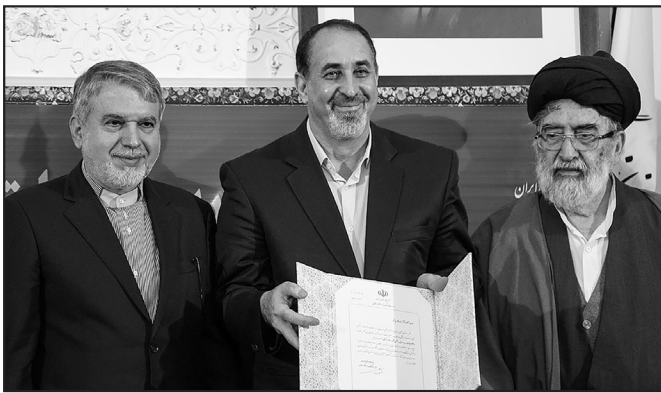
بر مدار دوستی و انسانیت

علی اصغر دادبه هم به عنوان به یکی از سخنرانان این مراسم ضمن اشاره به شخصیت و جایگاه علمی- ادبی محقق گفت: «استاد محقق چه قبل انقلاب و چه بعد انقلاب همواره بر مدار دوستی و بر اساس رفتار انسانی رفتار کرد. بر همین اساس او را می‌توان از شمار معدود معلمان عاشقی دانست که به ۲ شیوه معروف «مکتب دقت» و «مکتب سرعت» دست به فعالیت زده است.» به گفته دادبه، محقق تا به امروز آثار متعددی تألیف کرده که در همه آنها می‌توان تلفیقی از این دو شیوه را دید. او از مدیر سابق انجمن آثار و مفاخر فرهنگی بواسطه آنکه هیچگاه معلمی را فراموش نکرده و بزرگان بسیاری را آموزش داده تقدیر کرد.

اذن شاگرد از استاد

حسن بلخاری، مدیر جدید این انجمن با تأکید بر اینکه قبل از قبول مسئولیت مدیریت در این انجمن از مهدی محقق به عنوان استاد خود اذن گرفته گفت: «در هنر سنتی اصلی داریم که بر اساس آن وقتی قرار است شاگردی کنار استاد خود قرار بگیرد از او اذن می‌طلبد. من هم با استاد محقق تماس گرفتم و از ایشان اجازه گرفتم.» او اظهار امیدواری کرد که مهدی محقق ریاست هیأت مدیره را قبول کند و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی همچنان از وجود ایشان بهره ببرد. بلخاری تأکید کرد که به خواسته‌هایی که وزیر در ارتباط با عملکرد این انجمن مطرح کرد توجه خواهد کرد.

مراسم تکریم مهدی محقق و معارفه حسن بلخاری با حضور جمعی از چهره‌های فرهنگی از جمله سید هادی خسروشاهی، سید هادی خامنه‌ای، نوش آفرین انصاری، سید محمود دعایی، اکبر ایرانی و... برگزار شد.



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از او خواست در مسیری که مهدی محقق فعالیت داشته قدم‌های بزرگتری، فراتر از آنچه تا به امروز در این انجمن برداشته شده را بردارد. او یکی از مهم‌ترین دلایل آسیب‌های اجتماعی امروز را بروز شکاف میان جوانان و الگوهای فرهنگی آنان عنوان کرد و برطرف شدن آن را از جمله وظایف این انجمن دانست و افزود: «امیدوارم آثار فرهنگی- تاریخی هم مانند گذشته مورد توجه مدیریت این انجمن قرار بگیرد و از سویی برای انتشار تألیفات بزرگان و ترجمه آثار آنان هم اقدامات جدی تری انجام شود.»

از ۱۳۳۷ تا ۱۳۹۶

مهدی محقق، مدیر پیشین این انجمن ضمن اشاره به سال ۱۳۳۷، زمانی که در جوانی برای نخستین مرتبه همراه با جلال‌الدین همایی به این مرکز قدم گذاشته و مقدمات همکاری وی با آن فراهم می‌شود گفت: «از همان ابتدا، خیلی قبل‌تر از پیوستن به این انجمن، همواره از اهانت و بی‌توجهی به مفاخر علمی- فرهنگی کشورمان ناراحت بودم. از همین رو وقتی قرار شد به عنوان مشاور در انجمن آثار و مفاخر کار کنم تصمیم گرفتم که گام‌هایی در این زمینه بردارم.

او با گلایه از اینکه چرا باید اهانت به اهل علم و فرهنگ در کشور شیوه رایج شود گفت: «در مدتی که مدیریت این انجمن را بر عهده داشتم ۱۶۲ مراسم تکریم و بزرگداشت برای مفاخر فرهنگی برگزار شد و ۱۶۲ جلد بزرگداشت نامه هم منتشر شد که حاصل همه آنها در یک مجلد در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.»

محقق که دوره نخست به درخواست مهاجرانی و در دوره دوم هم به خواست علی جنتی مدیریت این انجمن را برعهده گرفته از لزوم آشنایی جوانان با اسطوره‌های فرهنگی کشور سخن گفت و ادامه

رئیس ۱۸ سال اخیر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در حالی جای خود را به مدیری جوان‌تر داد که از بی‌ارج و قرب بودن مفاخر علمی و فرهنگی در کشورمان گلایه کرد. مهدی محقق در مراسم تودیع و معارفه ریاست انجمن آثار و مفاخر فرهنگی اظهار تأسف کرد که چرا قدر این افراد که سرمایه‌های ملی کشورمان به شمار می‌آیند، آن طور که باید و شاید دانسته نمی‌شود و از متولیان فرهنگی، تکریم و معرفی آنان به جوانان را خواستار شد.

ساختمان قدیمی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که کوله باری ۹۵ ساله از تجربیات علاقه‌مندان به حفظ آثار و مفاخر فرهنگی کشور را بر دوش دارد ظهر دیروز میزبانی دو نفر از مدیران این انجمن نیمه دولتی را برعهده داشت. مهدی محقق، که ۱۸ سال، برابر با دو دوره، مدیریت این انجمن نیمه دولتی که رئیس جمهوری هم در هیأت امنای آن حضور دارد برعهده داشت از جایگاه خود در این مرکز فرهنگی خداحافظی کرد تا حسن بلخاری، مدیری جوان‌تر به جای او بنشیند. البته آن طور که در این مراسم از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و حتی مدیر جدید این انجمن مطرح شد، قرار نیست محقق از این مرکز برود بلکه تنها تغییری مدیریتی ایجاد شده و از تجربیات وی همچنان در این عرصه بهره گرفته می‌شود.

بزرگان؛ هویت بخش نسل امروز

سیدرضا صالحی امیری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که خود از اعضای هیأت امنای این انجمن به شمار می‌آید، در این مراسم با اشاره به جایگاه مهدی محقق گفت: «این تغییر مدیریتی به این معنا نیست که استاد محقق از انجمن می‌رود، او اینجا باقی می‌ماند و اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد. تنها گردشی در مدیریت اتفاق افتاده که امری طبیعی است.» او علت انتخاب حسن بلخاری را برای مدیریت این انجمن نیاز به حضور فردی جوان‌تر برای افزودن به سرعت فعالیت‌های این مرکز عنوان کرد و ادامه داد: «استاد محقق سرمایه‌ای است که ایران و ایرانی هر کجای جغرافیا که باشد به او افتخار می‌کند. نسل جوان به خاطر این افراد که ریشه‌های فرهنگی کشورمان هستند امروز هویت دارند.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خطاب به مدیر جدید

تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف

دکتر حسن بلخاری

از زمانی که مسئولیت انجمن آثار و مفاخر ایران به این حقیر پیشنهاد شد تا کنون چهار ماه می‌گذرد. آن زمان و به هنگام طرح مسئله عرض کردم جایی که دکتر محقق (که محققاً از مفاخر بی‌بدیل این مرز و بوم هستند) حضور دارند، بنده و امثال بنده هرگز نباید و نمی‌توانیم جای نشین باشیم. همراه و دستیار ایشان شاید.

نزدیک به چهارماه گذشت و من امیدوار که قضیه فراموش شده است اما هفته گذشته اطلاع دادند حکم مسئولیت امضا شده است. روز چهارشنبه گذشته با منزل دکتر تماس گرفتم و با حضرت استاد و همسر گرامیشان صحبت کردم. سخنان استاد پدرا نه، مشفقانه و دلگرم کننده بود. خدمتشان عرض کردم بر اساس سنتی گرانقدر در فرهنگ و تاریخ هنرهای سنتی ما ایرانیان، چون شاگردی کنار استاد قرار می‌گیرد در این همراهی باید از حضرت استاد اذن بخواهد و طلب دعای خیر کند. از ایشان هم اذن خواستم و هم طلب دعای خیر و استدام استادی و حمایت.

استاد با مهربانی اذن داده و دعا کردند. حضور حضرت ایشان در جمع هیات مدیره و این‌شاء‌الله ریاست هیات مدیره هم قوت قلب است و هم مهمترین دلیل که برای همراهی استاد به انجمن می‌روم نه العیاذ‌بالله جای نشینی ایشان. که تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف.

ادامه حرکت در مسیر تعامل با مفاخر فرهنگی کشور

سیدهادی خامنه‌ای

اطلاع دقیقی از فعالیت‌هایی که انجام آنها بر عهده انجمن آثار و مفاخر فرهنگی است ندارم و در مراسم تکریم دکتر مهدی محقق هم به واسطه آشنایی با ایشان و احترامی که برای این پیشکسوت عرصه فرهنگ و ادب قائل هستم حاضر شدم. با وجود این، امیدوارم مدیر جدید انجمن آثار و مفاخر فرهنگی هم راهی را که او در پیش گرفته بود ادامه دهد. ایشان برای بسیاری از بزرگان کشورمان مراسم تکریم برگزار کرد که واقعاً جای تقدیر دارد؛ من هم هر زمان برایم ممکن بود به واسطه دعوت دکتر محقق در این برنامه‌ها حاضر می‌شدم. یکی از مهم‌ترین رویکردهای این انجمن، گرامیداشت مفاخر فرهنگی کشورمان است. گمان می‌کنم آقای بلخاری هر چه بیشتر در این مسیر بکوشد و به برنامه‌ها کیفیت بدهد، موفق‌تر خواهد شد. امیدوارم مدیر جدید انجمن در پیشبرد اهداف این مرکز بر اساس راهی که دکتر محقق در این سال‌ها رفته موفق عمل کند. آقای محقق با بسیاری از افرادی که برای آنان مراسم تکریم گرفت آشنایی نزدیک داشت. از همین رو به واسطه سابقه و جایگاهی که داشت، در مقایسه با دیگر افرادی که می‌توانستند به مدیریت این مرکز برسند از امتیازی ویژه برخوردار بود. امیدوارم آقای بلخاری هم در راه انجام این تعامل بکوشد و همچنان شاهد گرامیداشت سرمایه فرهنگی کشورمان باشیم.